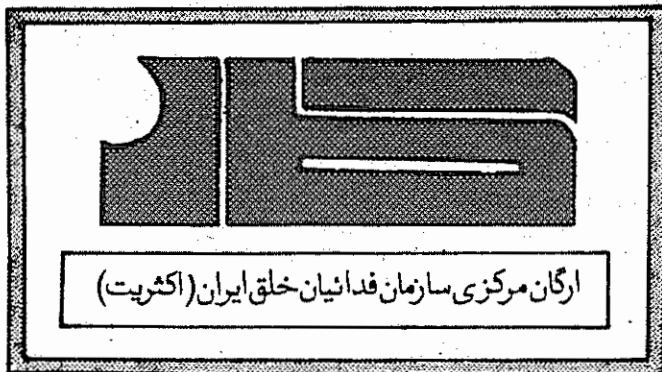


اول ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد!



چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۷۰
برابر اول ماه مه ۱۹۹۱ - دوره سوم - شماره ۴

آسمان ایران به روی هواپیماهای آمریکایی گشوده شد

رفسنجانی: احتمال تجدید رابطه
با آمریکا منتفی نیست در صحنه ۵

رفسنجانی در سوریه و ترکیه به دنبال چه می‌گردد؟

روز شنبه این هفته علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور رژیم وارد دمشق شد و مورد استقبال حافظ اسد در دولت سوریه قرار گرفت بنا به برنامه تنظیم شده دیدار رفسنجانی از دمشق روز دوشنبه پایان یافت. وی از آنجمله آنگار اپایتخت ترکیه شد. پیرامون دستور کار این دیدار گزارش روشنی از سوی مقامات ایرانی داده نشده است. رفسنجانی پیش از سفر به دمشق در مصاحبه با رسانه‌های سوریه در تبیین مضمون مباحث تنها به گفتن این امر اکتفا کرد که اکنون شرایط در مقایسه با دوره آخرین سفر حافظ اسد به تهران دگرگون شده و محتاج به بررسی و کنکاش تازه‌ای است. اسد هنگامی به تهران رفته بود که استقرار نیروهای آمریکایی در عربستان تازه آغاز شده بود.

در مناسبات رژیم‌های جمهوری اسلامی با سوریه و ترکیه مسایل مورد بحث فراوانی وجود دارد که تنها بخشی از آنها مسایل مشخص مربوط به روابط دوجانبه طرفین است. اما در شرایط دگرگون شده کنونی مسائلی قرار از مسایل مشخص دوجانبه پدید آمده است که رفسنجانی در گام نخست در جستجوی راهی برای حل آنهاست. از میان مجموعه کشورهای منطقه، سوریه تنها کشوری است که با وجود همه تباينات رابطه‌ای را با جمهوری اسلامی برقرار و حفظ کرده است که در اصطلاح دیپلماتیک به آن رابطه دوستانه می‌گویند. ترکیه و ایران نیز به

◀ بقیه در صحنه ۵

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت به مناسبت اول ماه مه

در صحنه ۲

آوارگان کرد: امید به بازگشت؟

در کنار شهر زاخو در جوار مرز ترکیه اقدام کرده است. به دلیل وجود هدهای سرباز عراقی تحت عنوان پلیس ویژه در این شهر، آوارگان کرد می‌هراسند که در اردوگاه زاخو پناه گیرند. به دنبال اخطار آمریکا و انگلیس دولت عراق پذیرفت که سربازان خود را از این شهر بیرون کشد. آمریکا به عراق

◀ بقیه در صحنه ۳

در مناطق جنوبی عراق است. در کر بلا و نجف هنوز حالت فوق العاده برقرار است. در این دو شهر به ندرت می‌توان یک جوان شیعه یافت. همه اگر گشته و یا دستگیر نشده باشند، گریخته‌اند. از بصره هیچ خبری در دست نیست. رژیم عراق به خبرنگاران اجازه نمی‌دهد، که از این شهر بازدید کنند. آمریکا بر اساس طرح "منطقه امن" به تاسیس اردوگاهی

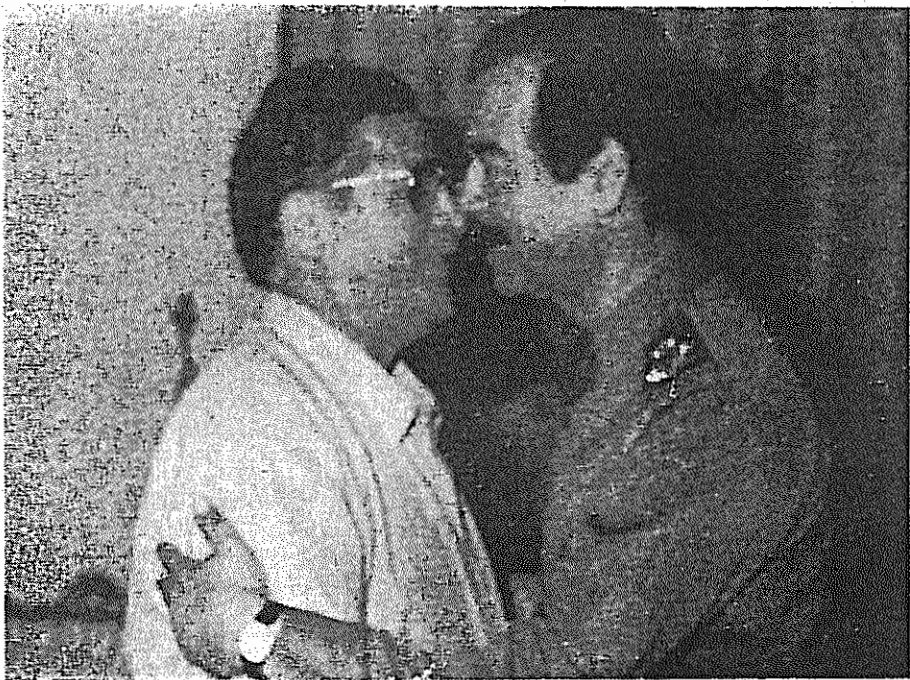
فعال به آوارگان کرد در ایران کمک می‌رساند. آلمانیها در باختران و پاوه دو مرکز کمک‌رسانی برپا کرده‌اند. در مجموع ۲۰۰۰ سرباز و نیروی کمک‌رسان آلمانی در ایران مستقر خواهند شد. از سرنوشت آوارگان شیعه کمتر خبر می‌رسد. گزارش‌های تلویزیونی خبرگزاری‌های اروپایی حاکی از تداوم سرکوب

با وجود شدت گیری کمک‌های بین المللی، وضعیت آوارگان کرد همچنان وخامت‌ناپذیر است. و با بیماری‌های دستگاه تنفسی و گوارشی و عوارض گرسنگی هر روز جمع‌کنندگی از آوارگان کرد در ترکیه و ایران را از پا در می‌آورد. بی‌فدایی همچنان مساله مبرم است و تقسیم کمک‌های فزاینده و دارویی بین المللی همچنان بی‌انتظام است. ترکیه به سنگ‌اندازی‌های خود در راه کمک‌رسانی به آوارگان کرد ادامه می‌دهد. در روز شنبه ۲۰ آوریل (۲۱ فروردین) در یکی از اردوگاه‌های آوارگان کرد در جنوب ترکیه بر اثر شلیک سربازان ترک یک آواره کرد کشته و پنج نفر زخمی شدند. کمک‌رسانی به ایران همچنان ناچیز است. در میان کشورهای غربی تنها آلمان فدرال به طور

گرمای بی سابقه در روابط تهران و کشورهای اروپائی

برخلاف سیاست بسیار احتیاط آمیز دولت رفسنجانی در گسترش و هلنی ساختن مناسبات خود با آمریکا، رژیم با شتاب بی سابقه‌ای پیوندهای خود با دولت‌های اروپایی را محکم می‌کند و هر روز گام جدیدی در این راه برمی‌دارد. طی هفته گذشته و بدنبال اعلام خبر مربوط به اعزام سربازان آلمانی به ایران، مناسبات جمهوری اسلامی و آلمان از گرمای بی سابقه‌ای برخوردار شد. روز جمعه سفیر آلمان در تهران در دیدار با معاون وزارت خارجه، پیام کتبی هلموت کهل صدراعظم این کشور به رفسنجانی را به وی تسلیم کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی که این خبر را مخابره کرد، از محتوای این پیام گزارشی نداد. دو روز پیش از آن کهل و رفسنجانی در تماس تلفنی با یکدیگر به مذاکره پرداخته بودند. به گفته رادیو تهران در این گفتگو کهل از پیشرفت روابط دو کشور ابراز رضایت نمود و ابراز

تزه‌های پیشنهادی
در رابطه با مسأله ملی
در صحنه ۸



در توضیح منظره‌ای شگفت

پیرامون دیدار طالبانی و صدام حسین در صحنه ۳

روزهای ۲۵ و ۲۶ آوریل و گلوله باران عراق با توپ‌های ۶ میلی متری متهم نمود. جمهوری اسلامی نیز اتهامات مشابهی را حاکی از نقض آتش‌بس توسط عراق مطرح ساخته است.

روز چهارشنبه گذشته هاشمی رفسنجانی در دیدار با وزیر نفت نیجریه در تهران پیرامون رابطه ۲ کشور گفت: ما در گذشته بارها به عراقی‌ها گفته‌ایم که می‌خواهیم در صلح با آنها زندگی کنیم ولی در قبال کشتار مردم بیگناه نمی‌توانیم ساکت باشیم. وی افزود جمهوری اسلامی مایل نیست که در امور داخلی عراق دخالت کند اما ما این سیاست که عراق در برابر دستور بیگانگان تسلیم شود ولی در مقابل اسلامی را به نقض آتش بس در

تازه‌ای علیه جمهوری اسلامی مطرح نمود و گزارشی از تجاوزات مرزی جمهوری اسلامی در ناصه اول تا میچدهم آوریل را به دبیر کل ارائه کرد. در این نامه ها گفته شده که تنها در درگیری ۱۶ آوریل ۳۰ تن از نیروهای جمهوری اسلامی زخمی و ۸ تن از آنان کشته شده‌اند. سفیر عراق گفت که درگیری‌ها هر روز شدت بیشتری پیدا می‌کند و از سازمان ملل خواست اقدامی جدی علیه تجاوزات مکرر جمهوری اسلامی بعمل آورد. روز پنجشنبه این کشور در نامه جدیدی جمهوری اسلامی را به نقض آتش بس در

ادعاها به دست داده نمی‌شود. روز یکشنبه اول اردیبهشت رژیم صدام حسین مدعی شد که نیروهای ایرانی در روزهای ۲۹ و ۳۱ فروردین دوبار آتش بس را نقض کرده‌اند. مطابق این ادعا نیروهای جمهوری اسلامی روز ۲۹ فروردین، از قصر شیرین ۱۲ راکت به طرف عراق شلیک کرده‌اند. در این نامه گفته شده که در زرد خوردهای روز ۳۱ فروردین ۷ ایرانی و ۵ عراقی کشته شده‌اند. عراق روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۳ نامه دیگر به دبیر کل سازمان ملل تسلیم کرد و در آنها ادعاهای

درگیری‌های پراکنده مرزی میان جمهوری اسلامی و رژیم عراق ادامه دارد و طرفین یکدیگر را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند. طی ۲ هفته گذشته بیش از ۲۰ نامه از سوی سفرای تهران و بغداد در سازمان ملل به دبیرکل این سازمان تسلیم شده و تجاوزات مرزی مورد اعتراض قرار گرفته است. در این جنگ نامه‌ها، رژیم عراق فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دهد. به گفته منابع دیپلماتیک در سازمان ملل در این نامه‌ها به جز روز و ساعت و محل حادثه و نوع سلاح‌های استفاده شده، اطلاعات دیگری دایر بر صحت

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت به مناسبت اول ماه مه

۷۰ سال سنت برگزاری روز کارگر در ایران

به مطالبات کارگران پی اهتتا بماند. رژیم شاه کوشید با ایجاد سندیکاهاى فرمایشی، بدیلی برای تشکل های سرکوب شده پدید آورد و ابتکار عمل را در کنترل فعالیت های سندیکائی حفظ کند. در رابطه با روز کارگر نیز کوشید روز تولد رضاشاه را بجای اول ماه مه - به روز کارگر تبدیل کند. اما جز آنکه عرض خود را ببرد و زحمت کارگران را افزون کند، سودی نبرد. فعالین سندیکائی در بسیاری از واحدها بویژه در واحدهای قدیمی نظیر نساجیها، نفت، سیمان و صنوف، سنت بزرگداشت اول ماه مه را علیرقم تضییقات رژیم گرامی داشتند و از آغاز دهه چهل، به اشکال مختلف و با ابتکارات متنوع، همبستگی کارگران را بنمایش گذاشتند. تلاش رژیم شاه برای محدود و محصور کردن فعالیت های سندیکائی در چارچوب تشکل رستائیزی "سازمان کارگران ایران" نیز بی ثمر ماند و سرانجام "سازمان کارگران ایران" در مواجهه با نخستین امواج اعتصابات کارگری ۵۷، چون حیای فروپاشید.

در تاریخچه ۷۰ ساله برگزاری روز کارگر در ایران، یازدهم اردیبهشت ۵۸ نقطه عطف درخشانی است. نه پیش و نه پس از آن، جنبش کارگری ایران، جشنى بدین گستردگی و تأبدین پایه آکنده از شور همبستگی را شاهد نبوده است.

در اردیبهشت های دیگری که از پی آمد نیز این سنت کارگری گرامی داشته شد و پیام نویدبخش آن در سنگرهای کار، در سراسر خاک ایران پژواک یافت. حکام جدید، علیرقم اراده خود، توان فرونشاندن آتراد خود ندیدند. از اینرو همانند حکومتگران سلف خود، تلاش کردند جنبش کارگری را از منشور منافع خود بگذرانند. قانون شوراهاى اسلامی کار، دستورالعمل ایجاد تشکل های مجاز شد. به طالبان قانون کار مترقی، پیش نویس قانون کار اتحادیهها منحل شد، فعالیت سندیکائی ممنوع گردید و شمارگشتری از رهبران و فعالان جنبش کارگری و سندیکائی کشور، روانه سیاهچالها شدند. مشعل گرما بخش اول ماه مه، یک چند-تاسقو طرناخان - در خفا سوخت، در خلوت امن محرومان، در محافل کارگران و روشنگران، و نیز حتی در زندانها و سیاهچالهای رضاخان.

در دهه ۲۰، دیگر بار آزادی مجال تبارز یافت. کارگران و زحمتکشان نیز دیگر بار گرد اتحادیههای خود حلقه زدند. همبستگی را باز جستند و ارج نهادند. روز کارگر دیگر بار تجلی گر یکپارچگی صفوف زحمتکشان شد، برای آزادی و صلح، برای کار و زندگی بهتر، برای ایفای نقش اجتماعی بیشتر، برای پایان دادن به بی قانونی در مناسبات کار و برای تثبیت روز کارگر، موقعیت اجتماعی و سیاسی اتحادیههای کارگری تقویت شد. بگونهای که پس از کودتای مرداد ۳۲، نیز، رژیم، به رغم انحلال اتحادیهها، و سرکوب فعالین، نتوانست فرهنگ مبارزه سندیکائی کارگران و نیز سنت اول ماه مه را نادیده بگیرد و نسبت

روز یازدهم اردیبهشت ماه امسال، با برگزاری جشن اول ماه مه در ایران، سنت برگزاری روز کارگر در کشور ما ۷۰ ساله می شود. از اردیبهشت ۱۳۰۱ که نخستین بار به همت پیشگامان جنبش سندیکائی ایران، در فرش اول ماه مه به نشانه همبستگی زحمتکشان ایران، برافراشته شد، ۷۰ بهار می گذرد. طی این هفت دهه، این سنت خجسته، به رقم سیاحتین دوره های خفقان و پهلوی و خمینی، پیام آور امید و پیک بهار بوده است. جنبش کارگری نوپای میهن ما در پرتو فراخوان های اعلام بخش اول ماه مه بود که راز همبستگی نیروی زحمت، فشرده گی صف و یگانگی هدف را آموخت. همین درک و دریافت بود که اتحاد پراکنده رنجبران و محرومان را گروه گروه در اتحادیه های صنفی شان گرد آورد و متشکل کرد. همین احساس و ادراک بود که انتشار نشریات کارگری و سندیکائی و برگزاری اجتماعات، تظاهرات و اعتصابات کارگری را - بمثابة مکتب آموزش و حربه نبرد - میسر تر کرد و فراتر از آن، ضرورت پایان دادن به هرج و مرج و بی قانونی در مناسبات کار و تصریح حقوق کار در قانون را در دستور قرار داد. در پرتو همین آگاهی و احراز هویت بود که اتحادیه های کارگری با نقش و موقعیت اجتماعی و سیاسی خود آشنا شدند، برای نخستین بار ارتباطات سندیکائی بین المللی برقرار کردند و در عرصه ملی نیز خواهان ایفای نقش بیشتر در جامعه و در مجلس شورای ملی شدند.

و نیز همین روند شکوفنده بود که کینه دشمنان آگاهی، آزادی و همبستگی محرومان را برانگیخت. جنبش کارگری و سندیکائی نوپا، همراه دیگر نهضت ها و نیروهای مترقی و دموکراتیک، با تثبیت دیکتاتوری رضاشاه - از سال ۱۳۰۴ تحت سرکوب شدید قرار گرفت. اتحادیهها منحل شد، فعالیت سندیکائی ممنوع گردید و شمارگشتری از رهبران و فعالان جنبش کارگری و سندیکائی کشور، روانه سیاهچالها شدند. مشعل گرما بخش اول ماه مه، یک چند-تاسقو طرناخان - در خفا سوخت، در خلوت امن محرومان، در محافل کارگران و روشنگران، و نیز حتی در زندانها و سیاهچالهای رضاخان.

در دهه ۲۰، دیگر بار آزادی مجال تبارز یافت. کارگران و زحمتکشان نیز دیگر بار گرد اتحادیههای خود حلقه زدند. همبستگی را باز جستند و ارج نهادند. روز کارگر دیگر بار تجلی گر یکپارچگی صفوف زحمتکشان شد، برای آزادی و صلح، برای کار و زندگی بهتر، برای ایفای نقش اجتماعی بیشتر، برای پایان دادن به بی قانونی در مناسبات کار و برای تثبیت روز کارگر، موقعیت اجتماعی و سیاسی اتحادیههای کارگری تقویت شد. بگونهای که پس از کودتای مرداد ۳۲، نیز، رژیم، به رغم انحلال اتحادیهها، و سرکوب فعالین، نتوانست فرهنگ مبارزه سندیکائی کارگران و نیز سنت اول ماه مه را نادیده بگیرد و نسبت

پرداخت دستمزدهای ناچیز به کارهای سنگین گماشته می شوند و این همه در کشور ثروتمندی صورت می گیرد که تجار بازاری در طول دوازده سال حکومت سیاه فتنه، بی کمترین نقشی در تولید، ثروت های عظیمی اندوخته اند و همچنان در سایه حمایت رژیم، به مکیدن خون مردم زحمتکش مشغولند.

تفسیر و وضعیت اسف باری که مردم و جامعه بدان گرفتار آمده اند، در گرو مبارزه متحد مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی بعنوان مسبب اصلی اوضاع فلاکتبار کشور است و گرامیداشت هر چه گسترده تر اول ماه مه که سمبل وحدت و یکپارچگی کارگران و زحمتکشان است گامی در این راستا به شمار می رود.

امروز میرم تر از دیروز، مبارزه علیه خود کامگی رژیم آخوندی، مبارزه بخاطر تامین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی و سندیکائی، آزادی زندانیان سیاسی، تضمین بازگشت آزادانه و امن مهاجران سیاسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات آزادی اجتماعات، حق اعتصاب، حق ایجاد و با عضویت در تشکل های سیاسی و سندیکائی و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، نیاز و مطالبه عینی جامعه ماست. برگذشت روز کارگر برای ما جلوه های دیگر از مشروعیت این نیاز و حقانیت این مطالبه است. جشن اول ماه مه را با تأکید بر ضرورت حیاتی آزادی های سیاسی و سندیکائی و حقوق دموکراتیک مردم، جلوه گاه همبستگی و وسیع ترین انتشار مردم علیه خود کامگی رژیم سازیم کارگران مبارز!

مطالبه حقوق صنفی و آزادی های سندیکائی - همچنان یکی از عرصه های اصلی جنبش سندیکائی میهن ماست. هر چند بخشی از حقوق و مطالبات صنفی - رفاهی شما در قانون کار جدید بازتاب یافته، اما شاخص ترین و جوه حقوق کار در عرصه حقوق دموکراتیک و آزادی های سندیکائی، نقی و نقض شده است. قانون نگاران رژیم با حفظ مشروعیت قانون شوراهاى اسلامی و انعکاس مفاد آن در قانون جدید، حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی مستقل را نقض کرده اند. رژیم جمهوری اسلامی، شما را از حق انتخاب آزادانه نمایندگان واقعی خود محروم کرده، اساسنامه مصوب مجمع عمومی را تحت الشعاع قانون شوراهاى اسلامی و آئین نامه های آن قرار داده و آنرا بی اعتبار کرده و حق ایجاد و یا انحلال تشکل صنفی را نیز از مجمع عمومی کارگران سلب و به حیاتی دست نشانده وزارت کار تفویض کرده است. این قانون همچنین، شما را از حق اعتصاب محروم کرده و در مقابل، دست دولت را برای سرکوب اعتصاب باز گذاشته است. قانون کار جدید نه تنها حق تشکل دموکراتیک را نقض کرده بلکه فراتر از آن، با گنجانیدن انجمن اسلامی در فصل مربوط به تشکل های کارگری، تجاوز به آزادی های سندیکائی و اجابت به کارگران را مضعف کرده است.

برای لغو قانون شوراهاى اسلامی کار، تغییر و اصلاح قانون کار و تامین حق برخورداری از تشکل صنفی مستقل مبارزه کنیم. حق اعتصاب، یکی از مهمترین و جوه آزادی های سندیکائی است. قانون کار باید حق اعتصاب کارگران را بر رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و کارفرمایان با زداشت و قهره (راندارند، برای تامین حق اعتصاب مبارزه کنیم. رژیم آزادی ستیز جمهوری اسلامی می کوشد انجمن اسلامی را که در واقع انجمن جاسوسی و تفرقه افکنی است، بمثابة یک تشکل کارگری به شما تحمیل کند. برای انحلال انجمن های اسلامی در همه واحدهای تولیدی و خدماتی و حذف آن از عرصه قانون کار، مبارزه کنیم.

کارگران پیشرو و آگاه!

سپح توده کارگران حول مطالبات مبرم صنفی و سیاسی روز، از وظایف مستقیم و مقدم شماست. تشکل های صنفی هادیگر مبارزات روز مرد را بویژه در واحدهای بزرگ و صنایع کلیدی، سازمان دهید و تحکیم کنید. از همه امکانات فعالیت هلنی از جمله شوراها و تعاونیهای موجود، برای جلب توده کارگران، تصمیق مبارزه و تدارک تشکل های صنفی مستقل، استفاده کنید. ضوابط ضد دموکراتیک قانون شوراهاى اسلامی کار را انشاء کنید. مطالبات کارگران را برای افزایش سطح دستمزد، بهبود وضعیت تعاونیهای مصرف و مسکن، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، و تامین حق بیمه بیکاری با شرایط مناسب، سازمان دهید. هسته های تدارک جشن اول ماه مه را به رقم تشبثات حکومتی و کار شکنی های "ستادهای فرمایشی، تشکیل دهید و روز کارگر را آنچنانکه شایسته است گرامی بدارید.

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اول اردیبهشت ۱۳۷۰

کارگران و زحمتکشان ایران!
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، روز جهانی کارگر را به شما ارزش آفرینان اصلی سنگر کار و مبارزان خستگی ناپذیر راه آزادی و عدالت، صمیمانه شادباش می گوید.

گرامیداشت سنت خجسته اول ماه مه، تجلیل از آرزوهای، هزم و پیکار بشریت محروم برای رهائی از همه مظاهر محرومیت، استثمار، ستم، تبعیض و تاریک اندیشی است. روز جهانی کارگر که پیام آور همبستگی بین المللی جنبش کارگری و تجلی آمال عدالت جویانه و رهائی بخش زحمتکشان است، را با شکوهی درخور، جشن بگیریم.

اول ماه مه را امسال، در شرایطی برگزار می کنیم که آزمون دگرگونیمای شتابگیر، چهره جهان ما را بیچیده تر کرده است. قدرتهای بزرگ جهان سرمایه داری و در اسانفا آمریکا، به رقم پراکندگی ابرهای جنگ سرد و توجیه ناپذیری دم افزون پیمان های نظامی، می کوشند زیر لوای "نظم نوین جهانی"، سناریوی دیگری از برتری طلبی و جهان خواری را بر مناسبات بین المللی تحمیل کنند.

امروز، مبارزه بخاطر برقراری نظم عادلانه تر در مناسبات اجتماعی و در عرصه ای که مناسبات "شمال و جنوب" نام گرفته است، مبارزه برائت امین آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک، مبارزه برای تثبیت صلح جهانی، تامین حقوق بشر و مقابله با هرگونه سطره جویی و تبعیض، مبارزه علیه تخریب محیط زیست، بهبود شرایط کار و زندگی و دسترس پذیر تر شدن دانش و فن و موهبت های آن برای توده های زحمتکش و محروم، مهمترین جهات پیکار بشریت مترقی و عدالتخواه و در شمار اهم شعارهای اول ماه مه است.

نظریه پردازان انحصارات سرمایه داری، محافل ارتجاعی و دولتهای محافظه کار جدید به اشکال مختلف می کوشند، ضرورت وجودی اتحادیه های کارگری مستقل را منتهی دانسته و نقش آنرا در جهان امروز، "پایان یافته" تلقی کنند. مبارزه روشنگرانه اتحادیه های کارگری، احزاب و سازمانهای چپ، برای تخمین نقش نوین و جانشین ناپذیر اتحادیه ها در مبارزات و تحولات اجتماعی یکی دیگر از عرصه های مهم جنبش کارگری امروز و یکی از شعارهای مبرم اول ماه مه است و تلاش احزاب و سازمانهای چپ برای زدودن انکار قیم مآبانه در همین راستا و در خدمت تامین و تحکیم استقلال تشکل های کارگری قرار دارد.

کارگران و زحمتکشان هم میهن!

روز جهانی کارگر را امسال در شرایطی برگزار می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی، پس از ۱۳ سال لجاحت در عدم پذیرش مشروعیت اول ماه مه، سرانجام به خواست و اراده برحق شما گردن نهاده و اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را بمثابة روز کارگر و روز تعطیل رسمی کارگران، در قانون کار خود تصریح کرده است. این دستاورد را با ایدارچ نهاد و راه دستاورد های بزرگتر را گشود.

اما رژیم جمهوری اسلامی به رغم "قانونیت" بخشیدن به روز کارگر، همچنان با انگیزه ها و آماج های انسانی آن بیگانه است. آزادی ستیزی، جعل پروری، تبعیض و انواع محرومیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ما هر روز، بی وقفه قربانی می گیرد. هزاران تن از فرزندان مبارز میهن در زندانها و شکنجه گاهای رژیم محبوسند و صدها هزار تن دیگر نیز به تبعید و مهاجرتی ناخواسته محکوم شده اند. هنوز ترور و اختناق، شکنجه و اعدام، منع سرکوبگرانه فعالیت سازمانهای سیاسی و اتحادیه های کارگری، سانسور مطبوعات، تفتیش عقاید، تبعیض و تحمیل ارتجاعی علیه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی و سرکوب خلقهای کشور، ادامه دارد.

هم میهنان آزاده!

سیاستهای خامان برانداز رژیم، فقر و بیکاری گسترده ای را بر کشور حاکم کرده و کمربارگانی خم شده است. سیر سقوط سطح زندگی تورم لجام گسیخته، در یک سو، انباشت ثروت های انباشته ای و در سوی دیگر به اعتراف مقامات رژیم همچنان ادامه دارد و هر روز شمار بیشتری از جمعیت کشور در گرداب فقر و بینوائی فرو می رود و اینک بخش بزرگی از کارگران، کارمندان، معلمان، روشنگران و زحمتکشان در زیر خطر فقر زندگی می کنند.

وضعیت زنان کارگر و زحمتکش بیش از هر زمان مذلت بار شده است. سیاستهای زن ستیزانه رژیم، میدان را برای زورگویی و اعمال فشار کارفرمایان و بهره کشی و حشینه از کارگران زن، بیش از پیش هموار کرده و ایستادن در صف های طولانی اوراق همومی علاوه بر کار سنگین در محیط کار، آخرین رقم زنان کارگر و زحمتکش را می رباید. بهره کشی از نیروی کار ارزان کودکان و نوباوگان همچنان به شدت ادامه دارد. کارگران جوان در کارگاههای فاقد حداقل امکانات ایمنی و بهداشتی و محروم از هرگونه پشتیبانی قانونی، در ازای

برخورداری از تشکل صنفی مستقل، حق همه کارگران و زحمتکشان است. در قانون کار جمهوری اسلامی، این حق نقض شده است. هرگونه محدودیت در راه تشکیل و فعالیت سندیکاها و اتحادیه های کارگری باید از میان برود.

کارگران و زحمتکشان!
برای تامین آزادی های سندیکائی با برخورداری از حق ایجاد تشکل صنفی مستقل، کسب حق انتخاب آزادانه نمایندگان و تامین حق اعتصاب، مبارزه کنید.

به پیش! و از یاد نبریم همبستگی را!
جهانی که روزی دهنده همه ماست
باید از آن همه باشد بی شک
به پیش! و از یاد نبریم که
در چیست قدرت ما
در سیری و در گرسنگی
به پیش!
و از یاد نبریم همبستگی را.
بخشی از شعر "سرد همبستگی"
(بر تولد پرشت)

در توضیح منظره‌ای شگفت

پیرامون دیدار طالبانی و صدام حسین

در هیچ کجای سیاست، آنگونه که در منطقه ما جلوه می‌کند، تضاد مندی و پیچیده نیست. یک شبه ممکن است جریان حوادث ۱۸۰ درجه بچرخد و ممکن است به ناگهان حادثه‌ای روی دهد، که همه فاکتورهای اصلی تاثیرگذار بر روی منطقه را تحت شعاع خود قرار دهد و خود فاکتورهای دیگری را وارد محاسبات سیاسی کند. این که چرا این منطقه این گونه است، در اینجا مورد بحث مانیست. عطف توجه به این چگونگی، به خاطر تاکید بر روی این نکته است که در این منطقه نفس تضاد مندی و عدم تعین در بعدی ناپهناچار را باید به عنوان فاکتوری ثابت در نظر گرفت، قانونی که ثبات از هر قانون دیگری می‌گیرد و خود را به عنوان قاعده اصلی به کرسی می‌نشاند. از منظر این قاعده، نباید از منظره شگفت رویبوسی جلال طالبانی و همراهانش با صدام حسین متعجب بود. اگر اهل این منطقه باشی باید به این گونه تصاویر خو گرفت باشی، باید بتوانی در یک لحظه شاهد تصویرهای دلخراش از آوارگان کرد باشی و در لحظه دیگر شاهد آن رو بوسی و آشتی کنان، و نیز اگر واقعا به فرهنگ این منطقه و فادار باشی، باید بتوانی که آن تصویرهای دلخراش را فراموش کنی و به خود بقبولانی که عراق از این پس دموکرات منش‌ترین کشور منطقه است و صداترین بر رژیم بعثی عراق که به کردها خودمختاری داد و نیز باید فراموش کنی که آمریکا با این منطقه چه کرده است و بر سر همین عراق چه آورده است. سر باز آمریکایی را باید فرشته‌ای بپنداری که از آسمان نان و برنج و پیتو و چادر بر خاک عراق می‌انگندد و اصلاح‌آمده است در منطقه ما برای سیر کردن گرسنگان و نواختن یتیمان.

وظیفه یک تحلیل سیاسی چیست: بر شمردن عواملی که به یک حادثه منجر شده‌اند. تحلیل یک حادثه یعنی توضیح آن و توضیح آن به یک اعتبار یعنی توجیه آن. وقتی حادثه رخ می‌دهد، انسان عواملی را که به حادثه میدان داده‌اند بر می‌شمرد و به گونه‌ای خود را قانع می‌کند که می‌بایست چنین می‌شد، این حادثه نیز قانونمند بوده است و نباید شگفت زده شد و خارق‌العاده‌اش پنداشت. مثلا نباید شگفت زده شد که در هنگامه آوارگی کردهای عراق یکی از رهبران آنان بوسه بر چهره کربیه قاتل خلقش زد. این خارق‌العاده نیست، دست کم در منطقه ما خارق‌العاده نیست.

حادثه را تحلیل کنیم و چنانچه که گفتیم توضیح دهیم، از صدام حسین آفاق نماییم: او می‌خواهد رژیمش بر سر قدرت باقی بماند. فرصت

می‌خواهد و باید بکوشد از انزوای بین‌المللی به‌در آید، باید کاری کند که نیروهای خارجی از عراق خارج شوند و شرایطی فراهم آید تا همسایگان بویژه ایران نتوانند در امور داخلی مداخله کنند. مساله اصلی کنونی رژیم بعث مساله کردان است. حال که قلع و قمع کامل آنها میسر نشد باید از در مقابل وارد شد: ۱۸۰ درجه چرخش کردان در عراق خودمختاری می‌یابد بر اساس قرارداد ۱۹۷۰! و چرا فقط کردان؟ دموکراسی برای کل عراق، پارلمان، قانون اساسی، آزادی احزاب، انتخابات، پایدهای قدرت که پابرجا بمانند می‌توان به هنگام همه اینها راپس گرفت، روابط با غرب که بهبود یافت، می‌توان با کمک تسلیحاتی و اقتصادی خود غرب دوباره قرارداد ۱۹۷۰ را در پرونده گذاشت و بساط خودمختاری را برچید. از این گذشته میتوان با دادن خودمختاری صوری به کردها رژیم‌های ایران و ترکیه را زیر فشار قرارداد تا از در دوستی با بغداد در آیند. اما منطق کاخ سفید: قدرت مرکزی در عراق باید پابرجا بماند و چون آلت‌رناتیو مناسبی برای بعث موجود نیست، باید با همین بعثی‌ها ساخت. در درون همین نظام جانشینی برای صدام حسین پیدا خواهد شد که مقبول و اشنگتن باشد. پابرجا ماندن قدرت بعثی مستلزم حل مساله شیعیان و کردان در عراق است. به کردان باید گفت که انتظار کمکی نداشته باشید، یکی دو ماه پتو و چادر و غذا و بعد خود دانید. آوارگان به ناچار باز خواهند گشت و مساله فراموش خواهد شد. در این فاصله واشنگتن استفاده تبلیغاتی خود را از طریق کمک‌های انساندوستانه کرد و خاطر دهمباران‌ها را از اذهان زوده است. اگر کردها این سیاست را دریابند ناچارند از در آشتی با بغداد در آیند. آشتی آنها با بغداد خطر شیعیان را خنثی خواهد کرد.

و بالاخره رهبران کردستان عراق: دست‌ی را که نتوان قطع کرد، باید فشرد، شاید جلال طالبانی و هم‌راهان او در بغداد و مجموعه آتجایی که در سازمان‌های کردی عراق تصمیم به آشتی کنان با صدام حسین گرفتند، این حکمت باستانی را از اعراب آموخته باشند. آنها که نتوانستند دست صدام حسین را قطع کنند، حال یا باید با آوارگی بسازند، شاه‌دان باشند که رژیم بغداد در قیاب ساکنین روستاها و شهرهای کردی، روستاها را ویران کرده و شهرها را هربی کند و یا این که چاره‌ای ببینند تا آوارگان باز گردند و اگر بازگشت با گرفتن امتیازاتی همراه باشد چه بهتر. صدام حسین پیام آشتی فرستاده است، غرب تصد کمک به کردها را ندارد و بیشتر نگران قدرت مرکزی در عراق است پس به ناچار باید پیام بغداد را جدی گرفت، به بغداد رفت و آن دست را فشرد.

شاید این گونه بود که طالبانی و صدام بر چهره هم بوسه زدند و از آشتی سخن گفتند. در این جهان هیچ چیز بی حکمت نیست و شاید حکمت این آشتی کنان بیش و کم چنان باشد که در بالا آمد. پس تعجب نکنید. چیز خارق‌العاده‌ای رخ نداده است. همه چیز نظم هیشگی خود را دارد. هم چون گذشته هر چیز دلیلی دارد، قابل توضیح است و در سیاست قابل توجیه است. از جمله در منطقه ما.

آوارگان کرد: امید به بازگشت؟

بقیه از صفحه اول

رسمیت می‌شناسد هنوز بازتاب معینی در میان آوارگان کرد نیافته است. هنوز اکثریت قریب به اتفاق آوارگان هایل به بازگشت به عراق نیستند. این وضعیت ممکن است در هفته‌های آینده عوض شود. رهبران اپوزیسیون کرد می‌کوشند آوارگان را به بازگشت قریب‌الوقوع امیدوار سازند. در همین حال خود آنها در مورد پایبندی دولت بغداد به برقراری دموکراسی و دادن خودمختاری به خلق کرد به طور جدی تردید دارند. حکیم رهبر مجلس اهلای مذاکره کردها با صدام حسین را محکوم کرده و آن را به منزله درهم شکستن جبهه اپوزیسیون توصیف کرده است. رژیم‌های ترکیه و ایران از توافق بین طالبانی و صدام ناخرسندند. آمریکا و متحدین قریب آن، در این زمینه به طور رسمی نظری ابراز نداشته‌اند. سفر طالبانی به بغداد برای افکار عمومی بین‌المللی شگفت‌انگیز بود. برخی مطبوعات اروپایی و آمریکایی این سفر را مورد انتقاد قرار داده و بعضی نوشتند که کردها در شرایطی که پی‌برده بودند از غرب کمکی دریافت نمی‌کنند و آمریکا خواهم حفظ رژیم بغداد است، چاره‌ای جز سازش با صدام حسین نداشتند. در غیر این صورت مجبور بودند برای مدت نامعلومی در آوارگی و غربت به سر برند.

اختیار کرده است که حق ندارد هیچ نیروی ارتشی در شمال مدار ۳۶ درجه مستقر کند. حکیم رهبر مجلس‌اعلای شیعیان عراق، نیروی شیعی طرفدار رژیم ایران، خواهان آن شده است که برای شیعیان نیز منطقه امنی در نظر گرفته شود. مهمترین خبر هفته گذشته حول مساله کردستان عراق، دیدار جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق و هیات سه‌تاری همراه وی با مقامات بغداد از جمله صدام حسین بود. طالبانی اعلام کرده است که رژیم بغداد متعجد به دادن خودمختاری به کردها بر اساس قرارداد ۱۹۷۰ شده است (ر.ک. ستون "فرهنگنامه روز" در همین شماره "کار"). مسعود بارزانی رهبر حزب دموکرات کردستان عراق ضمن استقبال از این امر خواهان آن شد که این قرارداد تحت نظارت نیروهای بین‌المللی به اجرا در آید. دولت بغداد علاوه بر اعلام پایبندی به قرارداد ۱۹۷۰، اعلام کرده است که به زودی در عراق آزادی احزاب، آزادی انتخابات و آزادی سفر به خارج برقرار خواهد شد. اپوزیسیون عراق با شک کامل به این وعده وعیدها می‌نگرد. سفر طالبانی به بغداد و اعلام این که رژیم بعث قرارداد ۱۹۷۰ در مورد خودمختاری کردها را به

پناهندگان کرد در ایران

همچنان گرسنه و آواره هستند

تن در پاوه و جوانرود) ۵۰ هزار تن در خوی اسکان یافته‌اند. سایر شهرهای مناطق قریب نیز ملو از پناهندگان است شیعیان پناهنده به استان خوزستان در میان ویرانه‌ها جاداده شدند و اهالی به آنان غذا می‌رسانند. پناهندگان در وضع بسیار بدی به سر می‌برند. مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی بسیاری از کردها، شبها بخاطر فرار از باد سرد مادر چاله‌هایی که خودکندند بپتو می‌کنند و برای اینکه گرم شوند خاک بر سر و روی خود می‌ریزند. مرگ و میر بویژه در کودکان رو به افزایش است و همراه با گرم شدن هوا خطر بیماری‌های عفونی و واگیر شدت می‌گیرد. بنابه گزارش مقامات سازمان ملل تعداد تلفات پناهندگان کرد به ایران و آوارگانی که در پشت مرزها منتظر ورود به ایران هستند در ظرف یک هفته به ۲ برابر افزایش یافته در صفحه ۸

علیرقم طرح‌های پر سر و صدای آمریکا و متحدانش در مورد کمک به کردهای عراقی و ایجاد منطقه امن برای آنها، آوارگان کرد همچنان بسوی ایران در حرکتند. روز دوشنبه گذشته حجت الاسلام نوری وزیر کشور رژیم اسلامی که برای بازدید از اردوگاه‌های آوارگان به مناطق قریب کشور رفته بود، تعداد پناهندگان کرد در قریب کشور را بیش از ۹۰۰ هزار تن و تعداد پناهندگان شیعه در استان خوزستان را قریب ۵۰ هزار تن اعلام کرد. مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی کار اسکان دادن پناهندگان در شهرهای قریب کشور ادامه دارد. تا اواخر هفته گذشته ۴۰ هزار تن در سلما، ۱۰۰ هزار تن در سرپل ذهاب، بیش از ۴۰۰ هزار تن در ۲۶ اردوگاه در باختران (که بیش از ۲۰۰ هزار تن آنان در چادرهای گروهی به سر می‌برند) ۲۴۰ هزار

این امر (متشکل از نمایندگان کرد و نمایندگان حزب بعث) مناطق کردنشین از طریق یک سرشماری عمومی مشخص خواهد شد. به دنبال آن حکومت خواهد کوشید که خلق کرد در این مناطق خودمختاری یابد. در زمینه امور ملی کرد در جریان دیدارهای منظم بین کمیته عالی استانداران منطقه شمال هماهنگی حاصل خواهد شد. از آنجایی که خودمختاری داخلی در چارچوب جمهوری عراق محقق می‌گردد، بهره‌برداری از منابع طبیعی منطقه تحت اختیار جمهوری خواهد بود.

۱۵- خلق کردها نسبت جمعیت خود در کل عراق در دستگاه قانونگذاری نماینده خواهد داشت. (منابع: نکاتی تاریخی پیروان جنبش ملت کرد، نوشته تالیف ژرارد شالیان، پاریس ۱۹۷۸، لندن ۱۹۸۰)

پس از اعلام موافقت قرارداد، چه تبلیغاتی، که روی آن صورت نگرفت! اما در عمل دستاوردی نصیب خلق کرد و دموکراسی در عراق نشد. کمیته عالی پیش‌بینی شده در بند ۱۴ هیچ‌گاه تشکیل نگردید و سرشماری عمومی برای تعیین مناطق کردنشین مدام معوق شد. رژیم بغداد نمی‌خواست تاکید کردها بر کردی بودن شهر کرکوک سندیت بیابد. به وزرای کرد در کابینه پست‌های فرفری واگذار شد. بند ۱۵ به اجرا در نیامد چرا که در عراق در آن هنگام حتی به طور صوری مجلسی وجود نداشت. قرار بود قائم‌مقام رئیس جمهور یک شخصیت کرد باشد، اما چنین انتصابی صورت نگرفت. رژیم بغداد دست به تحریکات مختلفی در کردستان عراق زد، از تلاش برای تروک مصطفی بارزانی گرفته تا کوچ دادن طوایفی از آن کردها از جمله راندن آنها به

۸- هموطنان عرب و کردها محل‌های زندگی قبلی خود (در آنجایی که قبلا می‌زیسته‌اند) برگردانده می‌شوند. اگر دهکده‌ای از طرف حکومت در جهت منافع عمومی تحت سیطره قرار گرفته است باید به ساکنین آن فرامت داده شود.

۹- تسریع در اجرای قانون حل مسئله زمین در کردستان، لغو روابط فئودالی و تقسیم زمین بین دهقانان. دهقانانی که در زمان جنگ نتوانسته‌اند مالیات

قرارداد ۱۹۷۰

بپردازند از پرداخت آن معاف هستند.

۱۰- قانون اساسی موقت اینگونه تغییر داده می‌شود: خلق عراق از دولت کرد و عرب تشکیل می‌شود. این قانون همه حقوق ملی کرد و اقلیت‌های ساکن عراق را به رسمیت می‌شناسد. زبان کردی در مناطق کردنشین در کنار زبان عربی به زبان رسمی تبدیل می‌گردد.

ملاحظه: زمانی که قانون اساسی دائم وضع می‌گردد این بند باید در آن گنجانده شود.

۱۱- ایستگاه فرستنده رادیویی و اسلحه‌های سنگین به حکومت تحویل داده می‌شوند. اما این بند بعد از انجام تمام بندهای پیمان به اجرا در خواهد آمد.

۱۲- یکی از جانشینان رئیس جمهور باید از کردها باشد.

۱۳- قانون استان‌ها طوری تنظیم می‌گردد که با این پیمان مغایرتی نداشته باشد.

۱۴- به دنبال انتشار این بیانیه با همکاری یک کمیته عالی مسئول

ترک تحصیل شده‌اند دوباره پذیرفته می‌شوند.

(۳) مدارس در کردستان افزایش داده خواهند شد. بورس‌های تحصیلی برای کردها در خارج فراهم می‌گردد. دانشجویان کرد نسبت به جمعیت در دانشگاه‌ها و مدارس عالی نظامی پذیرفته می‌شوند.

۴- کارمندان و مجریان در مناطق کردنشین از کردها خواهند بود و یا از کسانی انتخاب خواهند شد که مسلط به زبان کردی باشند.

فرهنگنامه روز

قرارداد ۱۹۷۰

۵- خلق کرد حق خواهد داشت که سازمان و تشکل‌های اجتماعی و مستقل خود را مانند تشکل دانشجویان، جوانان، زنان، کارگران، دهقانان، معلمان و... تشکیل دهد.

۶- کارگران و کارمندی که از کار اخراج شده‌اند دوباره به سر کارهایشان فراخوانده خواهند شد (چه نظامی، چه شخصی). حتی اگر ادارات جایی برای آنها نداشته باشند باید محل کار برایشان ایجاد کنند.

۷- به افرادی که در مناطق کردنشین دچار خسارت شده‌اند کمک داده می‌شود. وضعیت معتب ماندگی منطقه را هم به دلیل وجود درگیری قبلی باید در نظر گرفته شود. برنامه اقتصادی گسترده وضع می‌گردد و حقوقی برای افراد و خانواده‌هایی که در این چند سال قربانی داده‌اند در نظر گرفته می‌شود و همچنین به افرادی که معلول شده‌اند و یا توانایی کار را از دست داده‌اند این حق داده شود. کار و مسکن برای بیکاران فراهم می‌گردد.

در هفته گذشته در جریان دیدار نمایندگان احزاب کردستان عراق به سرپرستی جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق با سران رژیم بعث در بغداد اعلام شد که دولت بغداد حاضر است قرارداد ۱۱ مارس ۱۹۷۰ در مورد خودمختاری کردستان عراق را به اجرا بگذارد. این قرارداد که دولت بغداد آن را "بیانیه ۱۹۷۰" می‌نامد، ثمره مبارزات طولانی خلق کرد در کل منطقه و در عراق خاصه در دهه ۶۰ است. در مقدمه این قرارداد آمده است که مواد آن در جریان مذاکرات طولانی مورد توافق "شورای فرماندهی انقلاب" عراق و رهبر حزب دموکرات کردستان، مصطفی بارزانی، قرار گرفته است. علیرقم این حالت توافق، رهبران بعث، قرارداد را "بیانیه" نامیدند و آن را با امضای "شورای فرماندهی انقلاب" انتشار دادند. مواد ۱۵ گانه قرارداد ۱۹۷۰ از این ترتیب: ۱- زبان کردی در مناطقی که بیشتر جمعیت آن را کردها تشکیل می‌دهند در کنار زبان عربی زبانی رسمی شناخته می‌شود و زبان کردی در این مناطق زبان تدریس خواهد شد. در مدارس کردستان زبان عربی به ماندن زبان دوم تلقی خواهد شد. همچنین تمام مناطق عرب‌نشین زبان کردی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود.

۲- کردها در تمامی دستگاه‌های حکومتی شرکت خواهند کرد. از جمله در وزارتخانه‌ها، رده‌های فرماندهی سپاه و دیگر دستگاه‌های رهبری برای این منظور جمعیت ساکنین قابلیت‌های لازم در نظر گرفته می‌شود.

۳- (۱) مسئولیت ایستگاه تلویزیونی و رادیویی کردی به "کمیته عمومی روشنگران و نشر کرد" داده می‌شود.

(۲) محصلینی که مجبور به

وزیر آموزش و پرورش از مجلس رای اعتماد گرفت

هفته گذشته طرح استیضاح نجفی وزیر آموزش و پرورش در مجلس رد گردید و وی در سمت خود ابقا گردید. ابقای نجفی یک پیروزی برای رفسنجانی محسوب می شود که همین چندی پیش یکی دیگر از وزرای کابینه اش - دکتر فاضل وزیر بعداری - را بدنبال استیضاح در مجلس از دست داده بود. استیضاح نجفی توسط گروهی از نمایندگان تندرو مجلس صورت گرفت و در پی آن وی ناچار به تقاضای رای اعتماد دوباره از مجلس گردید. در جریان رای گیری ۱۳۷ تن از نمایندگان به ابقای وزیر

آموزش و پرورش رای دادند و ۴۵ تن از حضور در مجلس و یا جلسه رای گیری خودداری کردند. تعداد مخالفین تنها ۷۷ نفر بود. علت اصلی اعتراض استیضاح کنندگان برکناری منسوبین جناح تندرو از مسئولیتهاشان در آموزش و پرورش بوده است. بنا به گزارش کمیسیون در طول مدت وزارت نجفی، تعداد سطح استان ها ۱۵ تن از مدیران کل برکنار گردیدند. کمیسیون همچنین فاش ساخت ۴۶ میلیون ریال از بودجه وزارت خانه صرف خرید یک اتومبیل بنز برای آقای نجفی شده است.

تصویب قانون به فرمان خامنه ای!

با تصویب رفسنجانی مبنی بر ادامه پرداخت افزایش حقوق کارکنان دولت در سال جاری بدون تأمین مجوز قانونی از مجلس، کشمکش تازه ای در محافل وابسته به رژیم پدیدار شد. در آغاز نیمه دوم سال گذشته افزایش حقوق کارکنان دولت بر اساس لایحه متمم بودجه مصوب مجلس صورت گرفت و طبقا برای سال جاری فائق اعتبار بوده است. لایحه ای که در اواخر سال ۶۹ برای تداوم افزایش حقوق کارکنان بخش دولتی تنظیم گردید و در اختیار مجلس گذاشته شد، برای تصویب نهایی محتاج فرصتی چند ماهه است. رفسنجانی برای حل این خلا قانونی از خامنه ای به عنوان "ولی امر مسلمین" مجوز ادامه پرداخت اخذ کرد. وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز این بار نه با تکابه مصوبه ای قانونی که تنها بر اساس فرمان خامنه ای دستورالعمل اجرایی ادامه پرداخت

دو هزار تومان افزایش حقوق را صادر کرد. از آنجا که اخذ مجوز قانونی تصویبات دولت به این روش، به معنی دور زدن آشکار مجلس است، نارضایتی همیق نمایندگان را در پی داشت. برخی از آنان بی توجه به "مصلحت نظام" با انتقاد از این سبک کار، به عمل مشترک خامنه ای و رفسنجانی اعتراض کردند. گفتگوهای پشت پرده ای که برای تخفیف این بحران صورت گرفت به آنجا انجامید که به گفته کربوبی (در جلسه هفتی مجلس در روز ۲۱ فروردین) تصویب متخذه از سوی دولت برای نیمه اول سال جاری به جریان گذاشته می شود ولی در نیمه دوم سال، مصوبه مجلس پیاده خواهد شد. به گفته کربوبی نظرات مجلس در این زمینه با برخی از مفاد لایحه تنظیمی از سوی دولت تفاوت دارد.

پشتیبانی احمد خمینی از رئیس مجلس

در شرایطی که کربوبی رئیس مجلس آماج حملات شدید مخالفین نیرومندش قرار گرفته است، احمد خمینی پیش از استعفا ای اخیر طی دیداری با وی به ستایش از او پرداخت. خمینی بی آنکه اشاره مستقیمی به حملات اخیر علیه کربوبی داشته باشد، با تجلیل کارکرد گذشته و حال کربوبی در برابر مخالفین موضع گرفت. از جمله رگان هایی که آشکارا با کربوبی تقابل کرده اند جامعه مدرسین قم بوده است. احمد خمینی، کربوبی را کسی نامید که

همواره تحت فشار روحانی نمایان بوده است، همیشه در کنار خمینی جای داشت و از حمایتش برخوردار بود و شایسته سنگین ترین مسئولیت هاست. سخنان اخیر احمد خمینی با موضع وی در جریان مجلس خبرگان متفاوت است، آن باروی بارها کردن متحدینش که کربوبی و محتشمی از جمله آنها بودند به تأیید مجلس خبرگان پرداخت و به عضویت آن درآمد. کربوبی انتخابات خبرگان را انتخاباتی رسوا نامید.

تثبیت افزایش بهای پروازهای خارجی

بالاخره پس از یک ماه کشاکش میان ارگان های دولتی و سرگردانی مردم، نحوه افزایش بلیط پروازهای خارجی مورد توافق شورای اقتصاد و سازمان هواپیمایی ملی (هما) قرار گرفت. بر اساس این توافق ۴۰ درصد تخفیف پیشنهادی شورای اقتصاد برای مسافران ایرانی که به رقم مقررات

باتوجه انحصاراً موظف به انجام آن شده بود، تعمیم یافت. اکنون علاوه بر حجاجه شرکت های هواپیمایی خارجی نیز در ایران ۴ درصد تخفیف برای مسافران ایرانی قائل خواهند شد. دولت جمهوری اسلامی معادل بهای تخفیف مقرر به شرکت های خارجی سوبسید خواهد پرداخت.

طرح تغییر ساعت در آغاز و نیمه هر سال

پیوستن ایران به جرگه کشورهایی که در آغاز بهار و پاییز ساعت را تغییر می دهند، در هیات دولت تحت بررسی است. از این پیشنهاد وزارت نیرو به خاطر صرفه جویی در انرژی و سازمان امور اداری و استخدامی به خاطر تأثیر آن بر نحوه کارمندان دفاع می کنند. در تهران سمیناری به همین منظور برپا گردید که در آن موافقین و مخالفین اظهار نظر کردند. در هیئت دولت مقرر شد پیرامون این پیشنهاد در جلسات آتی تصمیم گیری شود. بنا به

برآورد معاون وزارت نیرو در صورت تصویب و اجرای این پیشنهاد، روزانه دو میلیون و پانصد هزار کیلووات در مصرف برق و یک میلیون لیتر در مصرف سوخت صرفه جویی خواهد شد. در رژیم گذشته که این طرح به اجرا در آمده بود، دستگاه روحانیت به شدت با آن مخالفت داشت. مخالفت آنها از این زاویه بود که این عمل باعث دشواری و افتشاش در تعیین ساعات شرعی می شود.

ابهام در اعتبار مدارک فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد

با اینکه دانشگاه آزاد همچنان هر ساله هزاران دانشجو برای رشته های مختلف می پذیرد، هنوز جایگاه آن در سیستم آموزشی کشور نامعلوم و مورد اختلاف است. روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی اطلاعیه ای اعلام کرد این وزارتخانه در صورتی مدارک فارغ التحصیلان

دانشگاه آزاد را تأیید خواهد کرد که پیش از آن رشته تحصیلی و آئین نامه اجرائیش به تصویب رسیده باشد. قبل از صدور این اطلاعیه، وزیر فرهنگ و آموزش عالی طی انتقاد از کارکرد دانشگاه آزاد خاطر نشان کرد این دانشگاه حاضر به همکاری و هماهنگی با این وزارتخانه نیست.

شورای عالی امنیت ملی فراتر از همه ارگانهاست

همانگونه که مهاجرانی گفته است در برابر هیچ ارگانی خود را پاسخگو نمی داند و تنها موافقت خامنه ای برای اجرای تصمیمات آن کافی است. این ارگان فراتر از هیات دولت عمل می کند و تنها عده معدودی از وزرا در آن عضویت دارند. در حالیکه مطابق قانون، هیات دولت و تک تک اعضای آن مسئولیت همه رخدادهای کشور را برعهده دارند. از توه مقننه تنها رئیس این توه عضو شورایی عالی است. مطابق قانون به مجلس حق نظارت بر کارکرد همه ارگان های اجرایی کشور و حق پرسش پیرامون همه تصمیمات متخذه را داراست.

مهاجرانی در نوشته مزبور، برخلاف گفته های پیشین دولتمردان رژیم اعلام داشت که تصمیم به آزادی راجر کوپر - زندانی انگلیسی در ایران - در شورای عالی امنیت ملی گرفته شد. پیش تر می گفتند کوپر در پی پایان دوره محکومیت رها شده است.

در روز ۲۵ فروردین ماه نماینده مشهد طی سخنانی که در مجلس ایراد کرد برخی تصمیمات شورای عالی امنیت ملی را به سؤال کشید. وی گفت که این شورای در تصمیم گیری های مهم خود حتی نظر مشورتی مجلس را هم جویا نمی شود. در واکنشی نسبت به این سخنان، عطاءالله مهاجرانی که از مشاورین نزدیک رفسنجانی است مقاله ای نوشت که همان روز در روزنامه اطلاعات درج گردید. مهاجرانی به تندی به این نماینده حمله کرد و طرح هر پرسشی پیرامون تصمیمات شورایی عالی امنیت را نادرست و غیر مجاز دانست، وی این نظر نماینده مشهد را که "برخی از تصمیمات شورایی عالی امنیت قابل نقض و بررسی و انتقاد است" با خشونت رد کرد و گفت این "حرف شگفت آوری است". اکنون در جمهوری اسلامی تصمیمات اعلی حکومتی نه فقط در زمینه دفاعی و امنیتی که در بسیاری دیگر از هر صه ها از جمله سیاست خارجی در شورایی عالی امنیت ملی گرفته می شود. این ارگان

یک اعتراض دیر هنگام

دوکوئینار دبیر کل سازمان ملل رساند. مطبوعات تهران که این خبر را منتشر ساخته اند اشاره ای پیرامون هلت سکوت ۸ ماه دولت پیرامون این رخداد نکرده اند. در نامه خرازی آمده دولت جمهوری اسلامی در این زمینه خواستار توضیحات دولت آمریکا است.

در ماه گذشته جمهوری اسلامی فاش ساخت که طی نیمه دوم مرداد ماه سال ۶۹ هواپیماها و کشتی های جنگی آمریکایی در خلیج فارس ۱۱ بار از انجام ماموریت های کشتی هواپیماهای ایرانی جلوگیری به عمل آوردند. مطلب فوق را خرازی نماینده رژیم در سازمان ملل به اطلاع خاویز پرز

لغو محدودیت مناسبات اقتصادی با آمریکا

دولت آمریکا روابط هادی با جمهوری اسلامی را نخواهد پذیرفت. پیرامون سطح کنونی مناسبات ایران و آمریکا، حائری زاده نماینده مجلس فاش ساخت که اخیراً دولت رفسنجانی چندین بخشنامه پیشین را که ناظر بر محدودیت مناسبات اقتصادی دو کشور بود، لغو کرده است. اکنون برای معاملات تجاری - مالی با آمریکا هیچگونه ممنوعیت و محدودیتی وجود ندارد. پیش از این تنها خرید اقلام محدودی کالای مورد نیاز از آمریکا مجاز بود که تهیه آن از منبع دیگری میسر نمیشد.

طی هفته گذشته خبرگزاری های خارجی گزارش های دیگری از تماس های مستقیم نمایندگان دولت های ایالات متحده و جمهوری اسلامی منتشر ساختند. بنا بر این گزارش ها تماس های اخیر به خاطر بررسی نحوه کمک رسانی به آوارگان کرد صورت گرفته است.

در مشهد حجت الاسلام خامنه ای در یک سخنرانی به اظهار نظر پیرامون مناسبات آتی ایران و آمریکا پرداخت. وی در این سخنرانی دقت داشت که گفته هایش با کارکرد دولتمردان رژیم ناهمخوان نباشد. خامنه ای از جمله گفت در مناسبات دو کشور،

گزینش یک دانشمند ایرانی بعنوان مرد سال

پس از بررسی کارها و خدمات ۵ هزار دانشمند، ار میان آنها پروفیسور حسابی را مرد سال ۱۹۹۰ شناختند. پروفیسور حسابی بنیانگذار فیزیک نوین ایران محسوب می شود.

پروفیسور محمود حسابی فیزیکدان ایرانی مقیم تهران، به عنوان مرد سال علمی جهان برگزیده شد. این گزینش از سوی دو موسسه زیست نگاری ایالات متحده و انگلیس صورت گرفته است. این دو موسسه

چند خبر کوتاه اقتصادی...

۴۰۰ در جلسه یکشنبه دوم اردیبهشت هیئت دولت، سیاست های پولی دولت در سال ۱۳۷۰ مورد بررسی قرار گرفت - این سیاست ها از جانب بانک مرکزی ارایه شده است. در این جلسه مقرر گردید باز ابتدای سال ۱۳۷۰ بانک ها مجازند در حدی که از منابع مالی جمع آوری می کنند، پس از کسر سپرده و ایفای سایر الزامات به اعطای تسهیلات اعتباری مبادرت ورزند. هم چنین تصمیم گرفته شد ترکیب افزایش مانده کل تسهیلات اعتباری بانک ها به بخش غیر دولتی در سال ۱۳۷۰ بر اساس ۲۰ درصد بهر کشاورزی، ۳۷ درصد بهره صنعت و معدن، ۳۲ درصد بهره ساختمان و مسکن و ۱۱ درصد بهره بخش بازرگانی داخلی، صادرات و سایر بخش ها تعیین شود.

مسئولان کارخانه ایران کاوه اعلام کردند که تولید کامیون و لوو و تریلر در این کارخانه ظرف ۷ ماه از شهریور تا پایان اسفند ۶۹ به ۸۱۷ دستگاه رسیده است. کارخانه مذکور اکنون روزانه ۸ دستگاه کامیون و تریلر تولید می کند که ۱۰ درصد بیشتر از ظرفیت اسمی آن است. در ادامه افزایش رسمی بهای کالاها و خدمات، اعلام شد که شرکت مخابرات ۲۰ درصد بر نرخ مکالمات بین شهری افزوده است. هم چنین کارخانه های تولید کالباس و سوسیس نیز بهای محصولات خود را ۷۰ درصد افزایش داده اند.

نرخ ارزهای خارجی در بازار آزاد تهران به میزان کمی کاهش یافت. هفته گذشته دلار آمریکا ۱۳۶ تومان برابر استرلینگ ۳۳۰ تومان، مارک آلمان ۷۷ تومان و فرانک فرانسه ۲۲/۵ تومان معامله شد.



پتیه از صفحه اول

رفسنجانی در سوریه و ترکیه به دنبال چه می‌گردد

رقم بسیاری از عوامل بازدارنده مناسبات اقتصادی گسترده و روابط سیاسی هادی خود را تداوم بخشیده‌اند. برای دولتمردان رژیم فحها در منطقه خاورمیانه مخاطبی همراز تر از این دو وجود ندارد. رفسنجانی درست می‌گوید که بر آن است در این سفر با مخاطبینش به بررسی شرایط دگرگون شده منطقه بپردازد. این دگرگونی‌ها کدامند؟ تغییر در توازن نیروها در خلیج فارس، حضور مسلمانان متحد در کل منطقه، تحولات داخلی عراق، مذاکرات جاری پیرامون مساله فلسطین و آتیه مناسبات اعراب و اسرائیل، تحولات سیاسی در لبنان و... انعقاد پیمان تازه امنیتی در منطقه، بر این مجموعه می‌توان باز هم افزود.

در این مجموعه تحولات، آن تحولی که مورد توجه محوری دولت رفسنجانی است، پیمان امنیت منطقه‌ای است. بر این حقیقت مفسر بخش خارجی روزنامه کیهان - چاپ تهران - انگشت می‌گذارد. وی گوید که می‌کند که اکنون مجموعه تلاش‌های جاری سیاست منطقه‌ای و فراتر از آن کل سیاست خارجی دولت رفسنجانی در راستای سیستم امنیتی مطروحه تنظیم شده است. سیستم امنیتی مزبور همان پیمانی است که بر سرمداری آمریکا میان کشورهای جنوبی خلیج فارس و سوریه و مصر معتقد شده است و ترکیه به مثابه عضو منطقه‌ای ناتو بگونه‌ای اعلام نشده نقش پشتیبان آن را دارد. وزارت خارجه جمهوری اسلامی نه فقط پیچیده‌گاه با اساس این پیمان مخالفت نکرده بلکه خواهان تامین شرایطی برای پیوستن خود به آن بوده است. دولتمردان

رژیم جزاشاراتی کلی و تبلیغاتی ذکری از شرایط مورد نظر خود نکرده‌اند. آنها از مذاکراتی که تاکنون صورت گرفته است هیچ گزارشی منتشر نساخته‌اند. در عوض مفسر روزنامه کیهان می‌نویسد که از جانب مقابل از رژیم برقراری دوباره رابطه با مصر و عربستان (دو عضو اصلی پیمان) خواسته شده که به آن تمکین کردند. وی پیرامون مناسبات خارجی تازه رژیم و برقراری رابطه با مصر و عربستان و دیگران به تاکید می‌گوید: سرخ همه این مسائل به همان به اصطلاح طرح امنیتی وصل می‌شود. مفسر مزبور همچنین می‌افزاید که مبارزه جمهوری اسلامی با گروگان‌گیرها و آزادی گروگانها از جمله شروطی است که برای پیوستن به پیمان در پیش‌پایش نهاده‌اند.

رفسنجانی در دمشق و آنکارا و ولایتی در سفر تقریباً همزمان به ریاض مذاکرات دشواری در پیش دارند. اگر به دنبال این دیدارها، یک جنگ خانگی با اصطلاح "رادیکالها" در پیش نداشتند، شاید به توافق‌های مهمی می‌رسیدند و با فراموشی سپردن شعارهای پیشین خود، در پیاده کردن سیستم امنیتی منطقه و ظایفی راهبرده دار می‌گشتند و دست کم از طریق این گونه فعالیت‌های دیپلماتیک به ثمر نشان می‌دادند که برای پیاده کردن هر طرحی در منطقه باید رژیم ایران را جدی گرفته و لازم است تهران را به عنوان یک طرف اصلی صحبت برگیرند. آنها به هر حال در این جهت پیگیری‌اند.

سفر ولایتی به ریاض

رئیس سابق ساو اما، سرپرست حجاج ایرانی شد

هفته گذشته علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی به ریاض پایتخت عربستان سعودی رفت. وی در جریان سفر خود که به دعوت شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان به آن کشور سفر کرد. با ملک نجد پادشاه عربستان سعودی نیز دیدار و گفتگو کرد. ولایتی را در این سفر جمعی از مقامات وزارت خارجه و مسئولان سازمان خوج اسلامی همراهی میکردند. موضوع اصلی مذاکرات ولایتی با مقامات عربستان مسئله چگونگی تامین امنیت منطقه خلیج فارس و شرکت ۱۱۰ هزار زیر ایرانی در مراسم حج امسال بود. تا زمان تنظیم این خبر گزارشی از جزئیات مذاکرات طرفین به دست ما نرسیده بود. ولایتی در استانه سفر خود طی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشته بود که جمهوری

گزارش مقامات عربستان وی را مسئول قتل ۴۰۰ حجاج ایرانی در جریان اشتهاشات حج در سال ۶۶ می‌دانند. وی در آن هنگام نماینده خیمینی و سرپرست حجاج ایرانی بود. به نوشته روزنامه صوت الکویت مقامات ارشد جمهوری اسلامی با این خواسته موافقت کردند و بدنبال آن خامنه‌ای با انتصاب سید احمد خیمینی به نمایندگی خود عملاً کربوبی را برکنار نمود. در تهران اعلام شد بدنبال استعفای سید احمد خیمینی، علی خامنه‌ای روز جمعه طی نامه‌ای محمد محمدی ری شهری را بعنوان نماینده خود در امور حج و سرپرستی حجاج ایرانی تعیین کرد. ری شهری قبلاً دادستان کل انقلاب بود و در گفتار زندانیان سیاسی نقش فعالی برعهده داشت. خامنه‌ای در نامه خود به آمریکا حمله کرد و آنرا رژیم جبار

و پلید نامید. ری شهری فعالیت‌های دامنه دار تروریستی داشته است و گفته می‌شود هنوز نیز مسئول یکی از گروههای تروریستی جمهوری اسلامی است. از نظر سیاسی وی بیشتر به جناح تند رو و تمایل دارد. این جناح خواهان ماجراجویانه برائت از مشرکین و حرکات ضد رایجی کائی و ضد عربستان در مراسم حج است و نمایندگان آن به ویژه در مجلس شورای اسلامی آشکارا به تکرار ماجراجویی‌های گذشته تجدید می‌کنند. محمد تقی قمی نماینده ورامین در جلسه روز ۱۵ فروردین مجلس اظهار داشته بود: ما باید آنطور که سابق عمل کرده‌ایم به حج برویم و همانطور که در سابق رایجی کائی و تظاهرات کردند عمل کنیم و دولت‌ها باید آنرا تحمل کنند.

در لبنان آزاد شوند. وی گفت: انگلستان معتقد است که جمهوری اسلامی بر سرنوشت این ۳ گروگان "نوذی نوق العاده مهم" دارد.

علی اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم، در روزهای اخیر چندین بار بر آمادگی و تمایل جمهوری اسلامی نسبت به حل مسئله گروگان‌ها تاکید کرد. او روز یکشنبه اول اردیبهشت، پیش از سفر به ۳ کشور دانمارک، ایرلند و لوکزامبورگ در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران گفت: بن بست در مسئله گروگان‌ها تنها وقتی شکسته می‌شود که همه گروگان‌ها بدون توجه به ملیت آنها آزاد شوند. وی از جمله خواستار آزادی فردی به نام شیخ عبدالحمید عبید که از سال ۱۹۸۹ در زندان اسرائیل به سر می‌برد و هم چنین ۴ دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ توسط شبه نظامیان مسیحی در لبنان ربوده شدند، گردید. به گزارش رادیو آمریکا مقامات آمریکایی بارها به جمهوری اسلامی گفته‌اند که این ۴ تن کشته شده‌اند، اما رژیم تهران مدعی است شواهدی در دست دارد که آنها زنده‌اند. ولایتی در ایرلند و به هنگام پتیه در صفحه ۹

کمک‌ها ابراز تمایل کردند و بدنبال مذاکرات غیرمستقیم، آسمان ایران بر روی هواپیماهای آمریکایی گشوده شد. مقامات دولت آمریکا، کمک‌های مستقیم این کشور به

آسمان ایران به روی هواپیماهای آمریکایی گشوده شد

آمریکا را مرود دانست و آن را خلاف آرمان‌های خیمینی نامید. در این میان دولت رفسنجانی تلاش‌های بیشتری را برای حل مسئله گروگان‌های غربی در لبنان آغاز کرده است. دولت آمریکا آزادی این گروگان‌ها را شرط اصلی بهبود مناسبات با جمهوری اسلامی اعلام کرده است. اواخر هفته گذشته داگلاس هارد، مقام دوم وزارت خارجه انگلستان نیز با آمریکا امنتتی ندانست و متذکر شده که اگر آمریکا از خصومت نسبت به جمهوری اسلامی دست بردارد، امکان تجدید رابطه بین

کمک‌ها ابراز تمایل کردند و بدنبال مذاکرات غیرمستقیم، آسمان ایران بر روی هواپیماهای آمریکایی گشوده شد. مقامات دولت آمریکا، کمک‌های مستقیم این کشور به

روز شنبه گذشته پس از ۱۱ سال قطع رابطه، برای نخستین بار یک هواپیمای نظامی آمریکا، حاوی محموله‌های کمک به پناهندگان کرد در فرودگاه مخرآباد تهران به زمین نشست. به گفته سخنگوی کاخ سفید آمریکا، هواپیماهای بیشتری طی روزهای آینده کمک‌های آمریکا را به ایران خواهند آورد. روز شنبه گذشته سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: ایران خواستار کمک شده و برنامه این کمک‌ها در دست تهیه است. در پی ورود نخستین هواپیمای آمریکایی به ایران، مقامات آمریکایی فاش ساختند، که این اقدام به دنبال مذاکرات دو کشور از طریق مقامات سوئیسی و توافق‌های حاصله از این مذاکرات صورت گرفته است. کمک‌های مستقیم آمریکا به جمهوری اسلامی از زمانی امکان پذیر شد که جورج بوش رئیس جمهور آمریکا برای تجدید رابطه جمهوری اسلامی و از جمله کمک مستقیم به ایران اعلام آمادگی کرد. سران حکومت اسلامی بلافاصله نسبت به این

پتیه از صفحه اول

روز شنبه گذشته پس از ۱۱ سال قطع رابطه، برای نخستین بار یک هواپیمای نظامی آمریکا، حاوی محموله‌های کمک به پناهندگان کرد در فرودگاه مخرآباد تهران به زمین نشست. به گفته سخنگوی کاخ سفید آمریکا، هواپیماهای بیشتری طی روزهای آینده کمک‌های آمریکا را به ایران خواهند آورد. روز شنبه گذشته سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: ایران خواستار کمک شده و برنامه این کمک‌ها در دست تهیه است. در پی ورود نخستین هواپیمای آمریکایی به ایران، مقامات آمریکایی فاش ساختند، که این اقدام به دنبال مذاکرات دو کشور از طریق مقامات سوئیسی و توافق‌های حاصله از این مذاکرات صورت گرفته است. کمک‌های مستقیم آمریکا به جمهوری اسلامی از زمانی امکان پذیر شد که جورج بوش رئیس جمهور آمریکا برای تجدید رابطه جمهوری اسلامی و از جمله کمک مستقیم به ایران اعلام آمادگی کرد. سران حکومت اسلامی بلافاصله نسبت به این

تحرك اپوزیسیون مترقی ضرورتی تأخیرناپذیر

ساختار تمامیت گرا و مبتنی بر ولایت فقیه رژیم، جایگزینی استبداد فردی دیگری به جای دیکتاتوری لجام گسیخته خیمینی را می‌طلبد. اما در تحولات سیاسی کشور به غیر از الزامات ساختاری رژیم، عوامل نیرومند دیگری نیز دست‌اندر کارند که در نتیجه عملکرد آنها، ظهور دیکتاتوری فردی، یگانه‌انگرناتیب و سرنوشت مقدر کشور نیست:

علاوه بر این، به فرض که به رضم عملکرد دمای جلددارنده، برآیند نهایی قوا در جهت استبداد فردی سمت بگیرد، روند استقرار آن، نه خطی و ساده که پیچیده و پرفراز و نشیب است و در جریان آن اگر چه سرکوب و خشونت شاخص اصلی سیمای حکومت خواهد بود، این جا و آن جا الزامات بازی قدرت و حذف رقیبان، گشودن منافذ و باز کردن فضا را، به بازی گران اصلی صحنه قدرت و بویژه به رفسنجانی تحمیل می‌کند.

تحولات سیاسی چند ماه اخیر کشور موید آن است که در نتیجه تحولات جهانی، در سایه حوادث منطقه و سرانجام به خاطر تغییر موازنه قوا در میان جریانات مختلف سمیم در قدرت، رفسنجانی از امکانات به مراتب بیشتری برای اجرای برنامه‌های خود برخوردار شده است. در همین حال سیر حوادث نشان میدهند، دشواری‌ها و مواضعی که در مقابل رفسنجانی، برای قبضه کامل قدرت و اجرای موثر برنامه‌هایش وجود دارد، هنوز بسیار زیاد و جدی است.

رفسنجانی به عنوان سیاستمداری پراگماتیست، با تضادهای درون حکومت بازی می‌کند. اما موقعیت او به مثابه رئیس جمهور رژیم اسلامی و این حقیقت که وی فاقد اتوریته‌ای قابل قیاس با خیمینی است، محدوده مانور را تنگ می‌کند، به گونه‌ای که دستاوردهای حاصل، هنوز تا آن جا که بتواند مرهمی بر زخم‌های عمیق رژیم و چاره موثری در محار بحران سنگین جامعه باشد، فاصله بسیار دارد.

با نزدیک شدن انتخابات مجلس چهارم، درگیری میان تندروها از یک سو، رسالت، بازار و روحانیت حوزه‌نشین از سوی دیگر، به طرز بی سابقه‌ای شدت گرفته است. علاوه بر این درگیری شدید، تصمیم گروهبندی رفسنجانی و خامنه‌ای به تجدید جدی دامنه نفوذ تندروها در مراکز قدرت و مجموعه‌های آن شواهد دیگر بیانگر آن است که ظرفیت همزیستی تندروها و ائتلاف مسلط در چارچوب حکومت، به نقطه پایان نزدیک می‌شود.

تضعیف تندروها اگر چه می‌تواند به معنی حذف برخی موانع از مقابل رفسنجانی تلقی شود، اما در همین حال - اگر به تنهایی در نظر گرفته شود - بیانگر محرومیت باز هم بیشتر پایگاه اجتماعی حکومت و نیز محدودیت رفسنجانی برای مانورهای بیشتر خواهد بود.

حمایت رسالت و بازار از رفسنجانی همواره مشکوک و غیر قابل اعتماد بوده است و در شرایطی که دیگر جریانات تندرو در حکومت هملا حضور نداشته باشند، رفسنجانی در مقابل بازار و رسالت در موقعیت نامشده‌ای قرار خواهد گرفت. رفسنجانی برای آنکه در چنین موقعیت نامشده‌ای قرار نگیرد و - مهمتر از آن - برای آنکه در مجموعه مانورها و جنگ و جدال درون حکومت از اهرمهای مستقلاً برخوردار باشد، از مدت‌ها پیش کوشش می‌کند که محدوده مانور خود را به خارج از چارچوب حکومت گسترش دهد و علاوه بر یافتن دوستانی در خارج از مرزها، در داخل نیز مستقل از پایگاه سنتی حکومت اسلامی، برای خود پایگاه اجتماعی کم و بیش متفاوتی تدارک کند.

در خارج از پایگاه مذکور که شامل حزب الله، بازار و روحانیت و ضامم آن است، به فیراز توده مردمی که معمولاً "اکثریت خاموش" نامیده می‌شوند، پایگاه اجتماعی اپوزیسیون قرار دارد و رفسنجانی علاوه بر آن "اکثریت خاموش" نیم نگاهی نیز بر این پایگاه دار دکه اینک بیش از هر زمان گسترده است.

اقدامات رفسنجانی در جهت اجرای یک سیاست خارجی، متعارف، شعارهای در زمینه راه‌اندازی چرخ تولید و برخی اشاراتش که به "تمایل برای کاستن از تضییقات اجتماعی" تعبیر می‌شود، امیدهایی را در میان محافل بوروکرات و تکنوکرات که مستقلاً با جریانات لیبرال و سلطنت طلب پیوند دارند، پدید آورده است که این اقدامات و اشارات در برخی محافل دموکرات و چپ نیز با حساسیتی بیش از گذشته تعقیب می‌شود.

در یک نگاه بلندمدت، توجه به خصلت بناچار تیستی گروهبندی رفسنجانی و یادآوری این حقیقت که او یکی از بی رحم ترین دستیاران خیمینی و طراح بسیاری از توطئه‌های ضد دمکراتیک بوده و هست، و هم اینک نیز سودایی جز قبضه کامل قدرت در سر ندارد، کافی است تا هر نوع امید به او زائل گردد. اما به همان میزان که دل بستن به رفسنجانی و انتظار رفرم و اصلاحات موثر از او، در نگاه بلندمدت و استراتژیک می‌تواند برای اپوزیسیون مترقی خطرناک و فاجعه بار باشد، ندیدن امکانات واقعی برای گسترش فعالیت آگاهگرانه که در تعادل قوای مشخص امروز پدید آمده و می‌آید، به آنزوی بیش از پیش اپوزیسیون ترقی خواه می‌انجامد.

امروز رفسنجانی به پایه اجتماعی اپوزیسیون نظر دارد و برخورد هوشیارانه رهبران سیاسی اپوزیسیون، بر بستر ملزومات هیئت، می‌تواند او را وادار سازد که بهای این نظر بازی را تا به آخر بپردازد. تسریع روند ائتلاف و همکاری نیروهای جمهوری خواه در جهت شکل دادن به بدیلی که از اعتماد توده روشنفکر، متخصص و آگاه کشور در داخل و خارج برخوردار باشد، کسب آمادگی برای استقبال از محافل از تندروهای وابسته به جریانات اسلامی - روشنفکری که به صفوف اپوزیسیون رانده میشوند، حمایت موثر از محافل مترقی داخل کشور که برای تامین شرایط بازگشت امن فعالین سیاسی مهاجر و متخصصین مقیم خارج کشور و اتخاذ تمهیداتی برای تامین حضور موثر فعالین سیاسی مجرب و مترقی در متن تحولات سیاسی کشور، از جمله اقداماتی است که می‌تواند بیانگر هوشیاری و احساس مسئولیت رهبران اپوزیسیون ترقی خواه باشد.

ایران کشور است نه ملت!

بخش آخر

همین

عضو حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی)

ستم ملی و قضیه "ملت" ایران از دیدگاه چپ با ملیون و سلطنت طلبان

مقاله نویسنده ادامه می دهد: واقعیت این است که در ایران هیچ ملتی بر ملت دیگر ستم نکرده است، بلکه این حکومتی ستمگر بوده اند که به ملت ایران ستم روا داشته اند... آری این چیزی است که از خیلی وقت پیش سلطنت طلبان، ملیون (چون شاپور بختیار و حاج سید جوادی و امثالهم) و اخیرا چپها (چون آقای مهدی خسروشاهی و برخی دیگر) عنوان کرده اند و می کنند. می میل ندارم فعلا بر علیه این اظهار نظر که گویا در ایران ملتی بر ملت دیگر ستم نکرده است، چیزی بنویسم، چه که بر این باورم، این مسئله - چنانچه نخواهیم بادی گذشته به آن بنگریم - احتیاج به تحقیق و مطالعه بیشتر و بررسی جداگانه دارد. و اما اگر خواسته باشیم پاسخی در خور و قانع کننده به این بخش از اظهار نظر آقای رزمی مبنی بر اینکه در ایران نه ملت، بلکه اقوام هستند که زندگی می کنند و مجموعه این اقوام "ملت ایران" نامیده می شود داده باشیم احتیاج به تعمق و تأمل چندانی نداریم.

آقای رزمی برای اینکه به نتیجه مطلوبش برسد؛ دو مقوله "قوم" و "ملت" را به شیوه ای دلخواه و ناکامل و شاخ و دم بریده تعریف می کند. مثلا در تعریف ایشان برای ملت عناصر تاریخ، فرهنگ، زبان و محدوده جغرافیایی اعلامی نمی دارند. آقای رزمی می نویسد: "... قوم به جوامع انسانی گفته می شود که پیوند خونی در میان آنها برقرار است و این امر در مناسبات آنها نقش تعیین کننده دارد، قوم به طایفه و قبیله خودش تعلق داشته و وابستگی خاصی به سرزمین ندارد. اما ملت به اقوام ساکن شده اطلاق می شود..." چنانچه بخوانیم خود این تعاریف ناقص را ملاک ارزیابی قرار دهیم، در خواهیم یافت که هلیرقم ادعای آقای رزمی همه خلقتی ایران خود ملتگاهی جداگانه هستند.

پیداست آقای رزمی کوچ های چند صده پیش را در نظر ندارد که در کتب تاریخ از آنها بدستی بعنوان کوچ اقوام نام برده شده است. چرا که آن جنگام این اقوام (بقول آقای رزمی) نه وابستگی به زمین داشتند و نه محدوده جغرافیایی مشخص داشتند. آنان را اکثرا پیوندهای خونی بهم پیوند داده بود. ولی آن اقوام امروز دیگر اقوام نامانده اند. با رشد سرمایه داری و پیشرفت علم و صنعت بتدریج واحدهای بزرگتر و ثابت تری بوجود آمدند که امروز ملت نامیده می شوند. این ملت در محدوده جغرافیایی مشخصی زندگی می کنند و دارای تاریخ و فرهنگ و زبان و گامی بافت اجتماعی - اقتصادی واحدی هستند. به این اعتبار و نیز با توجه به افزایش جمعیت این واحدها دیگر نمی توان آنها را "قوم" حساب آورد.

نمی دانم آقای رزمی با تکیه بر چه منطقی مثلا حدود ۸ میلیون کرد ایران و یا مجموعا بین ۲۵ الی ۳۵ میلیون کرد - را "قوم" نامی زند که به طایفه و قبیله خودش وابسته است؛ در ضمن چنانچه آقای رزمی اندکی در مورد موقعیت و سطح رشد اقتصادی سیاسی فرهنگی این "اقوام" مطالعه می کردند، به نتایج درستی می رسیدند. جالب است، این اقوام تا دیروز برای امثال آقای رزمی خلقتی ستم دیده بودند و امروز که ایده آل های آنها رنگ باخته است، واقعیت وجودی این "خلقتی ستم دیده" زیر سوال رفته و همه به یک باره قوم شده اند. مجموعه این اقوام هم از آن جنگام که تجربه "سوسیالیسم واقعا موجود" شکست خورده است به یک "ملت واحد" تبدیل شده است!!

به دلیل نیست که تازه گیاه در مقالات خیلی از فعالین چپ ایران بویژه آقای علی کشتگر و نویسندگان نشریه "راه آزادی" این منادیان پرو پا قرص دمکراسی در ایران! مگر را اصطلاح ملت ایران تکرار می شود. و این به باور من نه اتفاقی، بلکه کاملا عامدانه و آگاهانه صورت می پذیرد و حاکی از نحوه نگرش نویسنده این مقالات به مسئله ملی می باشد. منشاء اصلی و بنیادین گام و اقصی آنها هم در ارائه نظرات بنیادین فقیر و اقصی و مخرب در خصوص مسئله ملی همین نکته است. آنها از نفی ملت مختلف با تمام خصوصیات تاریخی، فرهنگی و اخلاقی خاص خودشان و نیز از "ملت" خواندن ملل ایران می خواهند این نتیجه دلخواه را بگیرند که "در ایران ستم ملی وجود نداشته و ندارد. کتمان وجود این ستم ملی هم معنائی جز صحنه گذاشتن بر نظم و بند و بساط ملت نمی تواند داشته باشد، چون در غیر این صورت ممکن است ایران ایرانستان بشود و بدین ترتیب به فرور و افتخار ملی (بخوان عظمت طلبانه) آنحالطمه بخورد! اتفاقی نبود که سازماندهی تشکیلاتی بسیاری از سازمانهای چپ ایران در مقطع پس از انقلاب بعمق حتی آژمان که در دفاع از "خلقتی ستم دیده ایران" گلوپاره می کردند و به رقابت با هم می پرداختند، بر اساس تقسیمات کشوری زمان شاه، یعنی نظامی که ظاهرا خوجان برچیدنش بودند، بود.

مقالات مندرج در صفحه "دیدگاهها" بیانگر نظرات نویسندگان آنهاست. چاپ اینگونه مقالات به معنی تأیید محتوای آنها از سوی تحریریه نشریه و شورای مرکزی سازمان نیست!

و سیاستهای آن نقش و سهم نداشته اند، ربطی به این مسئله ندارد و آری نمی توان تنها با ستم فرهنگی و اداری توضیح داد!!

لابد آقای رزمی معتقدند، چون خاک (مثلا کردستان ایران) توسط قوای مرکزی اشغال شده است، ستم ملی هم در کار نبوده است. فعلا از این بحث که جولانگاه اصلی ارتشهای سرکوبگر چه قبل و چه پس از انقلاب این دیار بوده است دوری می جوئیم، به سرکوبگریهای حکومت شاه و هجوم به جمعوری خودمختاری آذربایجان و کردستان و اشغال این سرزمینها نیز نمی پردازیم، همچنین این سؤال را بی پاسخ می گذاریم که بدون اشغال و سرکوب نظامی حکومتی ستمگر چگونه می توانستند دهها سال بر این مناطق حکومت کنند، و تنها می پرسیم آیا اصولا امروز در دنیا (بغیر از فلسطین) ستمی ملی بر ملت و اداشته می شود یا نه؟ طبق اعتقادات آقای رزمی، نه!! چون ظاهرا در جهان امروز سرزمینی یافت نمی شود که از جانب کشوری خارجی اشغال و تصرف شده باشد.

و خلاصه نه، آقای رزمی، چنانچه می خواهید ملل ایران را قانع کنید، روزی روزگاری، خدائی نخواستہ زبان لال، "تعمایت ارضی" کشور را نقض نکنند سعی کنید در استدلالها با تان اول واقعیت وجودی آنها را انکار نکنید و دوما اذعان کنید که آنها در موقعیت حقوقی برابری نبوده اند، در غیر این صورت به جای اینکه کمکی به حل مسئله کرده باشید، آن را خرابتر کرده اید و بدتر از آن به شونیسم حاکم و ناسیونالیسم افراطی ملت تحت ستم هم دامن زده اید.

۵- ایران و طرح مسئله ندرالیسم

آقای رزمی می نویسند: در ایران مسئله ندرالیسم هرگز مطرح نبوده و در حال حاضر هم ندرالیسم مسئله ایران نیست... در پاسخ ایشان باید گفت: گوییم که این چنین باشد خیلی چیزها است که برای بشر متمدن امروزی امری بدیعی و ابتدائی می نماید ولی در جامعه عقب مانده ما هنوز هم در پایان سده بیستم مطرح نیست. در غیر اینصورت جایگاهمان اینجا نمی بود. این وظیفه نیروهای سیاسی ایران است که مردم را با پدیده ها، مخولات و تجارب سیاسی ملل دیگر آشنا سازند. این مسئله به همان اندازه که برای ندرالیسم صادق است، در مورد دمکراسی مورد نظر آقای رزمی هم صدق می کند.

۶- ندرالیسم و جریان پیاده شدن آن در ایران

نمی دانم بر چه اساس آقای رزمی ملل شرق (بغیر از ایران و چین) را قوم می نامند و ملل اروپا را ناسیون... نه، آقای رزمی! هم اینجا ملل هستند و هم آنها. "ناسیون" (Notion) هم چیزی جز ترجمه لغوی همان ملت نیست. آقای رزمی ظاهرا فرقی بین "ناسیون" (ملت) با "کشور" و تابعیت کشوری نمی گذارند.

ایشان می خواهند از تعاریفشان نتیجه بگیرند که ملل اروپا چون "ناسیون" هستند پیشرفته؛ قابلیت پذیرش ندرالیسم را دارند. اما ملل ایرانی چون قوم هستند عقب مانده اند!! گویا ملل و یا بقول آقای رزمی ناسیونهای اروپایی همیشه، بویژه دو قرن پیش، اینکام که سیستم ندراتیو را بنیاد نهادند، از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از ایران

امروز پیشرفته تر بودند و گویا طر فاران ندرالیسم این سیستم را می خواهند تنها در ایران عقب مانده امروز پیاده کنند و آنها ایران فردا پیشرفته را در مد نظر ندارند! به باور من چه دمکراسی و چه ندرالیسم مسائلی هستند که فرهنگ خاص خود را می طلبند و بنابراین بطور مکانیکی اصلا پیاده شدنی نیستند و نیاز به یک پروسه زمانی طولانی دارند. اما این واقعیت به این معنی نمی تواند باشد که این امر هرگز میسر نیست و باید از آن دست کشید.

۷- حقوق ملل ایران و ضرورت عدم تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در دست دولت مرکزی

خلاصه در جامعه ایده آل آقای رزمی قدرت اقتصادی و سیاسی باید تنها در دست انحصار دولت مرکزی باشد. (آنچنان که تلا بوده و حالا هم هست.) ایشان "اسخاوتمندانه" او "دمکرات" منشانه به دادن تنها برخی از حقوق و اختیارات فرهنگی و اداری به ملل مختلف رضایت می دهند. دلیل آرا هم اقتصاد تک پایه ای و عدم توزیع برابر ثروت های طبیعی کشور در پهنه ایران می دانند.

باید به آقای رزمی گفت: اتفاقا به دلیل همین اقتصاد تک پایه ای ایران، به دلیل همین سیاستهای اقتصادی و ضدملی رژیمهای گذشته و به طبع آن محرومیت های اقتصادی و سرکوب سیاسی که همه اینها ناشی از تمرکز قدرت در دست دولت و مونیوپول سیاسی و اقتصادی است، باید رای به تمرکززدائی و تقسیم قدرت سیاسی و اقتصادی بین ملل و حکومتهای محلی آنها در سطح کشور داد. تنها در چنین صورتی است که دمکراسی و حکومت مردم بر مردم معنا و مفهوم خود را پیدا می کند.

وانگهی تا جایی که به مردم کردستان مربوط می شود، آنها - برخلاف آنچه که آقای رزمی میل دارند جایانندازند - تنها برای کسب حقوق فرهنگی و اداری نیست که به پا خواسته اند. اگر چنین می بود، نیروهای سیاسی خلق کرد اهم از حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی)، کومله، احزاب مختلف کرد در عراق، ترکیه و استیتو سیونهای فرهنگی بیش نبودند که برای احقاق حقوق و اختیارات فرهنگی مبارزه می کنند.

بر خلاف آقای رزمی، من بر این باورم که خلقتی ایران باید خواسته هائی بسی فراتر از آنچه چیزی را که تا کنون مطرح کرده اند، مطرح کنند. اختیارات دولت مرکزی باید محدود به سیستم پولی، بخشی از سیستم دفاعی و باز بخشی از سیاست خارجی و تقسیم هزینه ها و درآمد ها بین حکومتها و یا جمهوریهای محلی باشد. بخشی از سیستم دفاعی، چون هر ملتی باید خود حافظ و مدافع سرزمینها و مرزهای خود باشد. این هم بدین جهت است که حکومت مرکزی نتواند با تکیه بر قدرت نظامی ملل غیر حاکم را سرکوب کند و ایالات، حکومتها و جمهوریهای محلی امکان دفاع نظامی در برابر هر نیروی غیر خودی و گاه حتی حکومت مرکزی داشته باشند. البته این به این معنا نیست که هر ایالتی باید ارتش مستقل خود را داشته باشد بل بیشتر بدین خاطر است که حوزه اختیارات ارتش هر حکومت محلی محدود به سرزمینهای همان جمهوری باشد و نه بیش از آن. همچنین بخشی از سیاست خارجی چون حکومتهای محلی نیز باید قادر باشند، با هر دولت و هر کشوری که منافع آنها ایجاب می کند و به ویژه با همسایگان خود در آن سوی مرزها که اغلب تکه پاره های ملت های خودی هستند رابطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برقرار نمایند.

چه نظامی بنا کنیم؟

آری جامعه ایران تنها - با عدم تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در دست دولت مرکزی،

- بانظامی بر پایه اراده آزاد ملل،

- بانظامی بر پایه قانون، پارلمان و پولوالیسم سیاسی،

- باتفکیک قوای مقننه، اجراییه و قضائیه و استقلال آنها،

- باستقلال رسانه های گروهی بویژه رادیو و تلویزیون،

- با رعایت منشور حقوق بشر و لغو مجازات اعدام،

- با بافت اجتماعی و اقتصادی که بر پایه هر سه شکل دولتی، خصوصی و تعاونی، بر پایه بازار آزاد و مالیات تصاعدی،

- با تأمین اجتماعی همه جانبه اقتضای عدالت و بیکار و معلولان جامعه،

- با تأمین کار و بیمه های اجتماعی (بیکاری، بازنشستگی، بیماری) می تواند راه سعادت را بییاید.

بویژه باید چنان نظامی در ایران بسازیم که هیچ ملتی خود مایل به جدائی نباشد. و این تنها زمانی میسر است که به وی آزادی کامل انتخاب راه و امکانات کافی برای رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ملی داده شود. و تنها و تنها در چنین حالتی است که شونیسم و ناسیونالیسم روز بروز رنگ می بازند و جای خود را به تفاهم و همیاری خلقتی می دهند.

خلاصه کلام:

بر همه نیروهای سیاسی ایران و بویژه نیروهای چپ و دمکراتیک است که در جهت هر چه روشنتر کردن موضوع این موضوعات مورد بحث این مقاله تا کامل با گشودن بحث های زنده و خلقت گامهای موثر بردارند، چه که این مشکلات و ابهامات گره هائی هستند که همیشه در صورت حل و روشن شدن آنها بویژه در ایران آزاد و آباد و دمکراتیک فرادام مسئله ساز خواهند بود.

به منظور دستیابی به هدف فوق و نیز رسیدن به یک طرح واقع بینانه حل مسئله ملی در ایران، باید

برمی گردیم؟

دکتر رضا جوشنی

آن مواجه شد. موافقت کلی ما با این تلاش‌ها به معنی پذیرش مواضع رژیم و یا قبول صرف پیشنهادات او در این خصوص نخواهد بود. ما با قبول اینکه باید با ظرفیت‌های واقعی وارد میدان شد آن را جدی می‌گیریم و به استقبال این روند می‌رویم.

مهم نیست که این گشایش‌ها با متولاتی از قبیل «تعب نشینی و تمکین رژیم» و «امثالهم آنچه در قاموس و فرهنگ ما اپوزیسیون معمول است، تبیین شود و یا با متولاتی از قبیل «بتکار رژیم» و «اجازه بازگشت» و «بخشودگی» که زبان و فرهنگ معمول رژیم‌هایی است که پس از یک دوره فشار و تضییق، برای مقبولیت عامه بدان متوسل می‌شوند، تعریف گردد. مهم اینست که فعالیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی همه نیروها و افرادی که در اندیشه گشایش‌های زندگی مردم هستند، در داخل کشور دنبال شود. زیرا که از سونای ادامه محرومیت یک کشور نیازمند از خیل امکانات گسترده و شهری‌نندان کاری آن که در خارج بسر می‌برند، زبان‌های غیر قابل جبرانی متوجه آن می‌کند و از طرفی دیگر در همین حال به تجربه ثابت شده که فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی دور از میهن، بعلت عدم تماس آن با واقعیت‌ها و نیازمندی‌های واقعی مردم و جامعه دارای ثمرات محدود و تبعات منفی قابل توجهی است. طبیعی است ادامه حضور دراز مدت ما، نیروهای سیاسی در خارج از کشور که رژیم به ماتحت‌سازی کرده است از دامنه نفوذ و تاثیر مایر بر روندهای جامعه می‌کاهد. ما برای اینکه آن اعتمادها و اعتبارهای به جا مانده از گذشته را دوام بخشیم و گسترش دهیم باید مرکز توجه خود را به حضور و فعالیت موثر در داخل با استفاده از همه راه‌های ممکن معطوف گردانیم.

پرهیز از پایش‌گذشتن و برقراری رابطه و ارائه پیشنهاد و مذاکره با رژیم برای چاره‌اندیشی با این استدلال که در شرایط کنونی جنبش اعتراضی مردم در سطح نازل است و رژیم در موضع برتر قرار دارد و در صدد گرفتن امتیاز از اپوزیسیون است که در وضع مساعدی نیست، از پشتوانه و منطق چندانی برخوردار نیست.

زیرا نیازها و مطالبات جامعه و مردم در حدی سطحی است که زمینه‌های کسب امتیازات و بهره‌گیری از امکانات فراهم است. رویه امتناع در این باره خود محروم کردن جنبش و مردم و جامعه از استفاده از برخی شرایط مساعدی است که روند عمومی جامعه آن را بوجود می‌آورد و این شرایط در بسیاری اوقات و از جمله در حال حاضر مستقل از تمایل رژیم حاصل شده و می‌شود. منتها نیروی سیاسی که پایبندان می‌گذارد و این شرایط مساعد هر چند اندک را در اختیار می‌گیرد بهمان میزان اعتبار کسب می‌کند و تاثیر می‌گذارد و گرنه می‌توان بر امتناع اصرار ورزید و از تاثیرگذاری محروم شد و دیگران را نیز از همین موضع به باد انتقاد گرفت.

البته بی‌اعتنایی و عدم حساسیت نسبت به این مسئله از جانب کسانی که زندگی و معیشت دلخواه به میزانی که اکنون دارند در کشور برایشان فراهم نیست قابل درک است. توجه به روانشناسی ماندگاری و حفظ وضعیت موجود برای آینده از هم وطنان مهاجر در عین اهمیت است. نمی‌توان تعیین‌کننده مواضع و رویه سیاسی باشد. اکنون که به انگیزه و بهانه چاره‌اندیشی در راه بازگشت مهاجرین به کشور باب مذاکره و سخن‌رو در رو با مسئولین رژیم گشوده میشود اصلاح جامعه و مردم بر این است که هر ایرانی آزاده مهاجر، هر نیرو و سازمان و شخصیت سیاسی (از جمله سازمان ما) با احساس مسئولیت برای سوق دموکراتیک روندهای جاری و رفع بن‌بست موجود به چاره‌اندیشی مشترک بنشینند. پذیرش سخن‌رو در رو برای چاره‌اندیشی به می‌تواند خدشه‌ای بر میزان اعتبار این یان نیرو و سازمان سیاسی وارد نکند و نه یکی را شریک مسئولیت‌ها و اعمال درست و نادرست گذشته دیگری سازد و نه آب‌تطمیری باشد بر اعمال تاکنونی رژیم، زیرا هر کس بار مسئولیت‌های خود را خود بدوش می‌گذرد. روی سخن در عین حال متوجه همه آن مسئولین، نیروها و شخصیت‌های رژیم است که در گذشته شریک بسیاری از مسئولیت‌ها و سیاست‌ها بوده‌اند و اکنون وضع موجود مورد تایید آنان نیست و یا ادامه چنین وضعی را غیرممکن می‌دانند. متوجه همه آن کسانی در حکومت است که با چشم‌های بازتری به واقعیت‌های پیرامون نگاه می‌کنند و در اندیشه گشایش در جامعه در جستجو و تلاش برای بیرون برد کشور از بحران موجود و از جمله حل این مسئله

«... اگر میزان مردم و حبل معضلات آنها و کاهش درد و رنج آن‌ها باشد، باید حتی پر کشایش کوچکی در کار مردم بارقه امید در چشمان مایه‌افزایند و من و تو را به یکسان شادمان سازد چرا زمانیکه منفذ کوچکی برای خروج از بن‌بست میلیون‌ها مهاجر ایرانی که در خارج سرگردان روزگار می‌گذرانند، ایجاد می‌شود حساسیت ما را برنیا نگیرد... این چه افتخاری است در داخل که هستیم چهره عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی خود را پنهان سازیم و در خارج چه در شرق یا شرق زیر پوشش تامین اجتماعی و صلیب سرخ این کشورها بسنده کنیم؟ این حق من و تو است در مقام اپوزیسیون که هستیم در میهن خود، در سرزمین خود با هویت واقعی کار کنیم. زندگی کنیم، اظهار نظر کنیم، در سرنوشت جامعه اعمال اراده کنیم و در سازندگی آن مشارکت ورزیم. اگر استبداد تا کنون این حق را ضایع کرده است، وظیفه انقلابی حکم می‌کند که از تلاش و مبارزه در راه کسب آن لحظه‌ای دریغ نکنیم.»
(وقایع همگانی کار اردیبهشت ۶۹)

این روزها تلاش پراکنده‌ای از سوی برخی از مسئولین و نمایندگان جمهوری اسلامی در برخی از کشورهای اروپایی در توضیح سیاستی صورت می‌گیرد که از قرار معلوم طبق آن سیاست برای بسیاری از خیل عظیم «ایرانیان مقیم خارج» که بدلیل گوناگون سیاسی و اجتماعی کشور راترک کرده‌اند، امکانات و زمینه‌هایی فراهم خواهد آمد تا به کشور بازگردند و زندگی و فعالیت اجتماعی و فرهنگی مطابق با «روند کنونی» شئون اجتماعی کشور دنبال کنند. این تلاش‌ها که از وضعیت کنونی جامعه و نیازهای آن نشأت می‌گیرد، علاوه بر اینکه در درجه اول کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که دارای امکانات و بالقوه و بالفعل تخصصی علمی و فرهنگی هستند و می‌توانند در روند جاری بازسازی جامعه منشا اثر باشند، سایر گروه‌های اجتماعی از جمله بسیاری از مهاجرین سیاسی را می‌تواند در برگیرد لذا باید انتظار داشت که با بیای تحقق تدریجی این فراخوان و فراهم شدن امکان زندگی و فعالیت اجتماعی و رفع مضیقه‌ها و تنگناهای موجود برای این دسته، زمینه و امکانات برای بازگشت سایر گروه‌های اجتماعی ایرانیان مقیم خارج نیز به تدریج تامین گردد.

این تلاش‌های رژیم که با تردیدها و ناپیگیریها همراه است در عین حال با متاومت‌های سازمان یافته و پراکنده‌ای در درون رژیم نیز مواجه است. واقعیت اینست که رژیم با پشت سر گذاشتن نسبی برخی چالش‌ها و موانع درونی، در راه گشایش اوضاع و مفرهای برون‌رنت از وضع بقایت نامساعد کنونی، که به بدن دچار است و برای تامین مرادده‌های طبیعی اقتصادی سیاسی با کشورها و دولت‌های دیگر مجبور است در فضای داخلی کشور به تغییراتی متناسب با این اوضاع تن در دهد، تا مقبولیت لازم هم در کشور و هم در جامعه جهانی برای وی فراهم آید. با وقوف به اینکه این روندها و سیاست‌ها، هم مصالح رژیم را در نظر دارد و هم با منافع جامعه همخوان است، باید با حساسیت لازم با

- ۱- یک مجموعه واقعیات عینی جامعه و اصول درست را پذیرفت که عبارتند از:
۱- ایران نه یک ملت واحد، بلکه یک کشور واحد می‌باشد
۲- خلق‌های ایران، نه اقوام، بلکه ملل مختلف با خصوصیات ملی، تاریخی و فرهنگی ویژه خود می‌باشند،
۳- ستم ملی - و نه تنها اداری و فرهنگی - در ایران وجود داشته و دارد و باید رفع گردد،
۴- هر ملتی خود این حق را دارد که سرنوشت سیاسی خود را رقم بزند، حتی اگر این امر به جدائی بیانجامد،
۵- مرجعیت مردم، دموکراسی و حکومت مردم بر مردم باید تحت هر شرایطی اصول خدشه‌ناپذیر باشد،
۶- در برخورد با ملت‌های ستم‌دیده نباید تحت هیچ شرایطی به زور متوسل شد.
به باور من تنها با پذیرش واقعیات، اصول و شروط فوق می‌توان راه را برای تهیه و ارائه یک طرح هائولانه رفع و حل مسئله ملی در ایران گشود. و این نکته‌ای است که در سیاست‌گذاری نیروهای سیاسی اهم از چپ، ملی و سلطنت طلب تا کنون نقش نداشته است. برعکس همه آنها (بدرجات مختلف) در جهت خلاف آن اندیشیده و عمل کرده‌اند. آری دید بقاییت اشتباه آمیز در قبال مسئله ملی منحصر به آقای ماشالله رزمی نمی‌شود و اغلب سیاسیون و بویژه نواندیشان چپ ایران را در بر می‌گیرد و به همین دلیل ما از نقد مقاله آقای رزمی به نقد کلی - البته ناقص - سایر نیروها نیز سیدیم

آزادی اندیشه و بیان در صد نیاز و مطالبه جامعه ما قرار دارد. متأسفانه فضای باز سیاسی جامعه در دوره انقلاب و مدت کمی پس از آن با عمر کوتاهی که داشت، هنوز به بر نشسته مورد یورش خشن انحصارطلبی و سرکوب قرار گرفت. وضعیت فلاکت‌بار کنونی جامعه در درجه اول حاصل سالها سیاست بگیر و ببند و زندان و کشتار و اعمال فشار و تضییق سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و ملی و از تبعات فاجعه‌بار ۸ سال جنگ بی‌معنی و انتقام‌گشایی‌های کینه‌توزانه پس از انقلاب است. سیاست‌هایی که تاکنون منافع خودفرازان را بر منافع و مصالح جامعه و مردم مقدم میداشته است. مأمورین و نهادهای گوناگون رژیم در طی این سال‌ها به پایمال کردن آزادی اندیشه و بیان و قلم و مطبوعات و امنیت فردی و اجتماعی هر وقت که خواستند و هر قدر که توانستند دست یازیدند. رژیم برآمده از انقلاب به جای پاسداری و حرمت آزادی آن را به مسلخ برد و جامعه را به سوی یک خشونت لگام‌گسیخته و انتقام‌گور سوق داد.

جنگ هم بجان و مستمسک مناسبی فراهم آورد تا این تضاد و رانشناسی خون و خشونت رنگ «مشروعیت» پذیرد و خودسری و تجاوز به حریم خصوصی و سلب امنیت اجتماعی و شغلی و اقتصادی شهروندان قیافه حق به جانب گیرد هنوز بسیاری از خانواده‌ها نگران سرنوشت فرزندان‌شان هستند که در بازداشتگاهها و زندان‌ها بسر می‌برند، هنوز خانواده‌های آن دسته از زندانیانی که پس از اعدام‌های دسته‌جمعی از زندان آزاد شده‌اند در اضطراب و نگرانی گرفتار آمدن مجدد عزیزانشان هستند، معطل عظیم زندانیان سیاسی و تعقیب و بازداشت و اعدام مخالفان سیاسی و عقیدتی هم چنان باقی است.

عزت اصلی مهاجرت میلیون‌ها مردم کشور را چه آنان که وابسته به سازمان‌های سیاسی هستند و چه کسانی که طالب یک زندگی و فعالیت اجتماعی و اقتصادی در محیطی آرام و در امنیت فردی و اجتماعی و بدور از اعمال فشارند، مراتب فوق رقم زده است. لذا آزادی بیان و اندیشه و آزادی زندانیان سیاسی و منع تعقیب و بازداشت و شکنجه مخالفان سیاسی از موارد اصلی مطالبه و مذاکره برای بازگشت مهاجرین سیاسی به داخل کشور است. چگونگی برخورد و میزان انعطاف رژیم با این امر ملاک معتبری است که صحت و سقم گفته‌ها و ادعاها و فراخوان‌های مسئولین برای مراجعت مهاجرین به کشور را محک می‌زند.

آن‌ها که به فراخوان بازگشت خیل مهاجرین به کشور پرداخته‌اند، باید بدانند که ضروری است این فراخوان‌ها با تلاش در راه محو و نابودی عوامل و علل فوق همراه گردد. در غیر اینصورت این قبیل فراخوان‌ها پاسخ چندانی نخواهد داشت.

این خیل مهاجرین برای بازگشت و آغاز مجدد زندگی و فعالیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در کشور مقتضای امکانات و شرایط اجتماعی و تضمین‌های حداقلی و لازمی را طلب می‌کنند.

مراجعه ذصلاح بین‌المللی هم می‌تواند در تامین و تضمین این شرایط نقش‌های معینی ایفا کنند. در میان و یا مداخله این مراجع پشتوانه‌ای برای استمرار و تحقق روند و مجاری برای ترکان‌سازی‌ها و مانعی در راه خلف وعده‌های رژیم می‌تواند باشد. در این میان رابطه بین کشورهای میزبان مهاجرین و رژیم جمهوری اسلامی از یک سو و خود مهاجرین از سوی دیگر از اهمیت معینی برخوردار است. طرفین (کشورهای میزبان و رژیم جمهوری اسلامی) باید در مقابل هم در این خصوص تعهدات معینی بپذیرند تا روندهای زندگی مهاجرین، چه کسانی که تصدبازگشت می‌کنند و چه آنهایی که در کشور میزبان به هر علتی ماندگار می‌شوند کمتر دچار اختلال گردد.

قابل فهم است که تحقق یک باره و یک روزه مطالبات فوق و هادی‌سازی مناسبات و محویک باره همه خصوصیات و کینه‌های انباشته شده که حاصل بیش از یک دهه سیاست‌های رژیم بوده است، ممکن نیست و نیازمند از طرفی تغییر آن سیاست‌ها و از طرفی دیگر تلاش و حوصله فراوانی است و این در درجه اول به عهده مسئولین رژیم است که اگر به آنچه گفته‌اند و می‌گویند پای بند هستند، از همین امروز اقدام کنند. طبیعی است که در آن صورت پاپایی این اقدامات مهاجرین و نیروهای سیاسی بیشتری روی موافق نشان خواهند داد و به طور عملی پاپیش خواهند گذاشت و در راه تعقیب آن مجاهدت و اهتمام خواهند ورزید. بویژه متخصصین و صاحبان آندوخته‌های علمی، تکنیکی و فرهنگی، کسانی که به سبب خطر دستگیری و بازداشت‌بلکه به علت فشارهای اجتماعی و فرهنگی مجبور به خروج از کشور گردیده‌اند، استقبال بیشتری خواهند کرد و آندسته از مهاجرین سیاسی و نیمه‌سیاسی نیز که خطرات فوق آتمتدید نمی‌کنند به تدریج به این روند خواهند پیوست.

گروه کار خلتقهای سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، توضیح و فراخوان زیر را به همراه "تزهایی پیشنهادی در رابطه با مسئله ملی" در اختیار نشریه قرار داده است که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

تزهایی پیشنهادی در رابطه با مسئله ملی

مسئله ملی یکی از معضلات سیاسی اجتماعی پیچیده دیروز و امروز و فردای کشور است. اهمیت روز افزون مسئله ملی تا حدی است که دیر یا زود در سازمانهای سراسری و منطقه‌ای و ذر مناسبات بین آنها، احتمالاً صبندیهای تویی حول چگونگی برخورد با این مسئله شکل خواهد گرفت. علاوه بر این، چگونگی برخورد با مسئله ملی، مناسبات بین ملل ساکن ایران را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. بنابراین برخورد جدی احزاب سیاسی با این مسئله بغرنج و جستجوی راه‌های مناسب و دموکراتیک برای حل آن از اهمیت سیاسی، اجتماعی و انسانی بزرگی برخوردار است.

گروه کار خلتقا
فروردین ماه ۷۰

فراخوان زیر از سوی گروه کار مالی سازمان در اختیار نشریه قرار گرفته است

همبستگی با

خانواده شهدا و زندانیان سیاسی

ایران

بدرود و آرزوهای نیک در جهت پاسخ گویی به وظایف مان نسبت به خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی، شماره حساب پستی زیر در سوئد تحت عنوان "انجمن همبستگی با خانواده زندانیان سیاسی ایران" گشایش یافت، تا رفقای سازمان کمک‌های خود را در این رابطه به حساب انجمن مذکور واریز نمایند.

کمک‌های مالی جمع آوری شده با توجه به وضعیت دشوار معیشتی بخشی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهدای سازمان، از طریق خود رفقای تشکیلات و زیر نظر گروه کار مالی در اختیار خانواده‌ها قرار خواهد گرفت.

گروه کار مالی

کمک‌های مالی جمع آوری شده با توجه به وضعیت دشوار معیشتی بخشی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهدای سازمان، از طریق خود رفقای تشکیلات و زیر نظر گروه کار مالی در اختیار خانواده‌ها قرار خواهد گرفت.

Postgiro Nr. 774049-1
S.I.P.F.F
Box 2040
42402 ANGERED
SWEDEN

بدرود و آرزوهای نیک در جهت پاسخ گویی به وظایف مان نسبت به خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی، شماره حساب پستی زیر در سوئد تحت عنوان "انجمن همبستگی با خانواده زندانیان سیاسی ایران" گشایش یافت، تا رفقای سازمان کمک‌های خود را در این رابطه به حساب انجمن مذکور واریز نمایند.

آنچه در زیر می‌خوانید، خلاصه ایست از نظرات جمعی از فعالین سازمان در داخل کشور. محدودیت صفحات نشریه خلاصه کردن متن ارسالی رفقا را ناگزیر ساخت، اما تلخیص مطالب متوجه حذف موارد تکراری بوده است.

"یقیناً آهن گداخته را با دست چپم خواهم گرفت"

عمل آید، حاصلی جز فریب توده ها و همراه کردن مبارزات آزادیخواهانه آنان نخواهد داشت. نفس اینکه ما خواهان کسب آزادی بدون خونریزی می‌باشیم، قابل ستایش است. ولی آیا واقعیات موجود هم به این نیت بشردوستانه ما اجازه می‌دهد، علیه رفقا خواست مارژم در زندانها و داخل جامعه و حتی در خارج از کشور خون می‌ریزد و هیچ‌زبانی جز زبان خود را نمی‌نهد. البته منکر آن نیستیم که در گذشته و به سکتاریزم راست دچار شویم. بنابراین شعار ما بایستی به سرنگونی رژیم از طریق تهرامیز بعنوان ملموسترین شکل ممکن در شرایط کنونی معتترف باشد. البته استفاده از هر فرصت ممکن برای دستیابی به هدف یاد شده از طریق فیر قهرآمیز، جزوبدیعیات فکری هر تشکیلات است. اما محدود کردن مبارزه با رژیم به سرنگونی ولایت فقیه و محفوظ ماندن رژیم جمهوری اسلامی از آن سیاستهای "یکی به میخ یکی به نعل" است. سرنگونی رژیم ولایت فقیه بعنوان مستبدترین شکل حکومت مذهبی، خواست از آزادیخواهی است. ولی رژیم جمهوری اسلامی بعنوان پایه ولایت فقیه حتی در صورت طرد آن نیز بخاطر حمل

مقاله حاضر تلاشی است در راستای مبارزه فدائیان خلق برای تدوین خط مشی سیاسی سازمان که کنگره اول علیه رفقا پرداخت محدود به آن نتوانست آنگونه که شایسته نام فدائیان خلق بود به نتیجه مطلوب دست یابد. هر چند که کنگره خود نیز چنین ادعایی ننموده است. مقاله حاضر سعی بر آن دارد که ضمن پرداختن به چگونگی اتحاد و مبارزه نیروهای اپوزیسیون علیه رژیم، ارتباطات گنگ ایندو را با هم بررسی نموده و نگرشی کلی به مسئله آزادی بعنوان آماج اصلی و عاجل آندو داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی با حاکم کردن سیاهترین دیکتاتوری ممکن، عامل اصلی نقض آزادی در میهن ماست این رژیم با سرکوب وحشیانه آزادیخواهان و داشتن دستگاههای انگیزسیون، دیکتاتوری مذهبی را بوجود آورده است که کوچکترین روزنه‌های ممکن را برای جلوگیری از تابش نور آزادی مسدود نموده است. برای پایان دادن به حیات این رژیم ویا طرد آن، گرایش به شیوه‌های دمکراتیک و مسالمت آمیزی چون انتخابات عمومی اگر امیدی واهی و دور از عقل نبود و آب در هاون کوبیدن نباشد، لااقل دلبستن به معجزه ایست که این امامزاده از خلق آن عاجز است. من نمی‌خواهم احتمال هر چند ضعیفی را انکار کنم که این رژیم را بتوان بشکلی مسالمت آمیز، فرضاً از طریق انتخابات عمومی از اریکه قدرت بریز کشید. ولی آنچه که ملموس تر و قرین واقعیت است، سرنگونی رژیم بشکل تهرامیز می‌باشد. هر تلاشی که در به زیر سوال بردن این واقعیت

تتشکیل دهند و از مجلس، دولت، قوانین محلی، زبان رسمی و قلمرو جغرافیایی معین برخوردار شوند. این جمهوریها بر پایه قانون اساسی فدرال و مورد توافق همگان که حدود مناسبات و روابط جمهوریهای متحده و حقوق و اختیارات داخلی و خارجی آنها را معین می‌کند، متحد می‌گردند. در ایران اقلیت‌های ملی - مذهبی و مذهبی متعددی هم زندگی می‌کنند. آزادیها و حقوق ملی، مذهبی و دموکراتیک آنها نیز باید برسمیت شناخته شده، تامین و تضمین گردد. ۵- شرکت و چگونگی شرکت در ترکیب جمهوری فدراتیو ایران برای همه ملل ساکن ایران و داوطلبانه و آزادانه و تابع اراده این ملل خواهد بود. سازمان ما مشوق جدائی ملل ایران از چارچوب جمهوری فدراتیو ایران نیست، بلکه ما همه ملل ساکن کشور را به اتحادی نو و برابر حقوق در چارچوب جمهوری فدراتیو فرامی‌خواهیم. اما تصمیم گیری در این مورد را تنها و تنها حق خود این ملل می‌دانیم. رای تطایع هر یک از ملل ساکن ایران در یک فضای دموکراتیک و هاری از اعمال فشار دولت با احزاب و گروهها تعیین خواهد نمود که اراده و تصمیم تاریخی یک ملت بر باقیماندن در ترکیب جمهوری فدراتیو ایران و یا برخورد از آن قرار میگیرد. ما بسمم خود این اراده و تصمیم تاریخی را صرف نظر از تحلیل ما از دست‌یابی نادرستی آن، برسمیت خواهیم شناخت. ۶- بخش‌هایی از هر کدام از ملل ساکن ایران، در شرایط کنونی در

برای بازدید از اردوگاجهای پناهندگان به ایران می‌آیند، در خواست‌های کمک را مطرح می‌کنند. ملک زاده وزیر بهداشت، درحان و آموزس پزشکی در دیدار با دانیل میتران همسر رئیس جمهور فرانسه که پس از بازدید از محله‌های اسکان پناهندگان به تهران آمده بود. خواستار کمکهای داروئی بین المللی شد و گفت که کمبود شدید مواد داروئی و وسایل بهداشتی جان بسیاری از آوارگان را تهدید می‌کند. علاوه بر دانیل میتران، معاونان وزرای خارجه لوکزامبورگ و ایتالیا نیز هفته گذشته برای بررسی نیازهای آوارگان به ایران آمدند. کمکهای خارجی از اوایل هفته گذشته حجم بیشتری یافت. امریکا پروازهای مستقیم هواپیماهای نظامی خود به ایران

۱- ایران کشور است کثیرالمله که در آن ملل فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب برخوردار از هم پیوندیها و در آمیختگی‌های قوی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی، از دیرباز با هم همزیستی داشته و تمدن و فرهنگ ایرانی را پی نهداند. ایران کنونی میهن مشترک همه این ملت‌هاست. ۲- مردم ایران همواره مورد فشار و سرکوب دیکتاتوری‌های سلطنتی در گذشته و رژیم اسلامی در حال حاضر قرار داشته و در مبارزه برای آزادی و دموکراسی دارای سرنوشت مشترک بوده و هستند. در عین حال ملل غیر فارس مورد ستم مضاعف قرار داشته و در حق آنها ستم ملی اعمال شده و میشود. ۳- سازمان ما ملل ساکن ایران را پایه دیکتاتوری شوونیستی یا توجیحات تاریخی، ایدئولوژیک و مذهبی ناممکن است. هر شیوه برخورد متاثر از این دیدگاهها با مسئله ملی در ایران، نتایج باز هم بیشتری بر همه مردم ایران بدنبال خواهد داشت. ۴- سازمان ما ملل ساکن ایران را بر پایه اصول دموکراسی و حقوق بشر و برابر حقوقی ملت‌ها ممکن میدانند و بر این پایه حق ملل ساکن ایران را برای تعیین سرنوشت خود برسمیت می‌شناسد. در این راستا سازمان ما از خودمختاری کامل ملل ساکن ایران و ایجاد دولت‌های خودمختار ملی در چارچوب جمهوری فدراتیو ایران دفاع می‌نماید. هر یک از ملل فوق این حق را دارند که یکی از جمهوریهای متحده ایران را

بقیه از صفحه ۳
پناهندگان گان
یافته و به روزانه ۲ هزار تن رسیده است. مقامات اسلامی پی‌درپی نسبت به کمبود غذادار پوشاک و سایر احتیاجات اولیه هشدار می‌دهند و اینجا همه گوشه‌ای از شرایط درناک قریب یک میلیون پناهنده زجر دیده است. اوایل هفته گذشته ملی اکبر ولایتی مجدداً تقاضای کمکهای جهانی کرد. او گفت تاکنون تنها ۱۵۸ هواپیما حامل کمکهای ضروری از سوی جهانیان به بیش از یک میلیون پناهنده در ایران کمک شده است. مقامات حکومت در دیدار با مقامات خارجی که

بقیه در صفحه ۹

تصویب برنامه دولت شوروی علیه بحران اقتصادی

در تولید انرژی، در حمل و نقل در برخی مناطق کشور، به گفته نخست وزیر شوروی، مسدود کردن راه آهن تغناز و اقدامات بزهکارانه در مناطق معدنی، تدابیر ویژه دولت را ضروری کرده است. پاولف افزود: این بدان معنی نیست که ما کسی را به زور، مثلاً به کمک ارتش وادار به کار کنیم، بلکه منظور این است که افراد مایل به کار امکان بیابند بطور هادی به کار بپردازند.

نخست وزیر شوروی اعلام کرد هر کس علیه تدابیر دولت و گسترش اعتصاب فعالیت کند، تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. وی گفت: «کشور در وضعیت چنان دشواری به سر می برد که ما نمی توانیم همه خواستهای اقتصادی اعتصابیون را برآورده کنیم».

اعتصابات در شوروی

هفته گذشته دهها هزار کارگر در جمهوری بلاروسی اعتصاب خود برای دستیابی به اصلاحات سیاسی و افزایش دستمزدها را از سر گرفتند. در مینسک پایتخت این جمهوری یک گرد همایی برگزار شد. در سایر شهرهای بلاروسی نیز کارگران دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب نامحدود اعلام شده است.

از سرگیری اعتصاب در بلاروسی به علت شکست مذاکرات کمیته اعتصاب جمهوری بلاروسی با مقامات دولتی انجام گرفت. در طول مدت این مذاکرات، اعتصاب متوقف شده بود. درباره خواستهای اعتصابیون گزارشی متناقض وجود دارد. برخی گزارشها حاکی است اعتصابیون خواهان آنند که یک اجلاس فوق العاده پارلمان بلاروسی برگزار شود و استقلال این جمهوری را اعلام کند. همچنین از خواست کناره گیری کمیته اعتصاب از ادارات و نهادهای دولتی نام برده می شود. خواست کناره گیری گارباچف که در آغاز اعتصاب طرح شده بود، دیگر در میان نیست.

سهمیدن واقع در کوزباس

بقیه از صفحه اول

سبیری که از اول ماه مارس در اعتصاب بودند، پس از اعلام تبعیت حقوقی خود از جمهوری روسیه، کار را از سر گرفتند.

چهارشنبه هفته گذشته پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برگزار شد. برخی اعضای کمیته مرکزی در این نشست از گارباچف دبیرکل حزب خواستند در باره کار خود گزارشی ارائه دهد. پس از آنکه گارباچف اظهار داشت که بعلت عدم تدارک گزارش، ارائه آن باید به اجلاس دیگری موکول شود، کار پلنوم ادامه یافت. برخی خبرنگاران غربی گفتند گارباچف در این پلنوم باردیگر تلاش مخالفان برای برکناری خود را عقیم گذاشته است.

بقیه از صفحه ۸

«یقیناً آهن گداخته ۰۰۰»

آزادی که در مقابل عزالت اجتماعی قرار دارد، تنها و تنها راهی برای فریب و گمراهی توده هاست. امانیروهای که می توانیم با آنان مشترک کاری دستیابی به اهدافمان مبارزه کنیم بایستی به آرا مردم احترام بگذارند - مبلغ جنگ، فاشیسم، شونیسم و آپارتاید نباشند - طرفدار برپائی رژیمهای استبدادی که بر محور ارائه فرد قرار دارد مانند رژیمهای سلطنتی و ولایت فقیه نباشد - به تبلیغ اجام گسیخته و دور از شئون سیاسی علیه کمونیستها و سایر نیروها دست نزنند. اینها شروط لازم برای همکاری مشترک ما با سایر نیروهاست. شروطی اصولی و غیر دست و پا گیر. از اینرو طیف فدائیان خلق به همراه سایر کمونیستها و حزب دمکرات کردستان و تمامی نیروهای جمهوریخواه و سازمان مجاهدین خلق و نیروهای مسلمانانی که شروط فوق را بعنوان شرط همکاری محترم شمارند جزو همراهان ما در راه نیل به آزادی می باشند. اینک آن گروه از مخالفان رژیم که طرفدار سیستم های سلطنتی و ولایت فقیه هستند، نمی توانند متحد ما باشند، امری نخواهد شد.

تشدید درگیری در مرزهای ایران و عراق

در طول جنگ به ایران آمده اند نیز بر خصوصاً افزوده است. رژیم اسلامی که قبلاً اعلام کرده بود پس از جنگ هواپیماها را به عراق پس می دهد، اکنون روش دیگری در پیش گرفته و تعداد هواپیماها را بسیار کمتر از رقم واقعی آن اعلام کرده است. به گزارش اسوشیتد پرس به نقل از دیپلماتهای غربی در تهران، جمهوری اسلامی در صدد است این هواپیماها را بفتح خود ضبط کند و اکنون اقداماتی را برای بهره برداری از آنها آغاز کرده است. این دیپلماتها گفته اند، جمهوری اسلامی مشغول رنگ زدن مجدد حساسیت دنبال شود.

هدف اصلی مان «سوسیالیزم» باشد، که انسانی ترین و دمکراتیک ترین نظام ممکن است. در راه رسیدن به این هدف بشردوستانه لازمست که از هر اتحادی که در تقابل با اتحاد گسترده نیروهای مبارز و آزادیخواه نباشد حمایت نمائیم. در اینجا لازم می دانم تمامی فدائیان خلق را که در طول سالهای اخیر به گروهها و سازمانهای مختلف تقسیم گشته اند، برای برپائی «خانه مشترک فدائیان خلق ایران» و برافراشتن پرچم خونین عدالت بر سردر آن به اتحادی. رفیقانه فراخوانم. رفقا، ماجملگی از خانواده بزرگ فدائیانیم که طی دوده صدها تن از بهترین یارانمان را در راه هدف مشترک از دست داده ایم، هدف ما خوشبختی و سعادت انسانهاست. اگر روزی کار ما را از خمیدگی جدا ساخته و یا در مقطعی به تقابل با یکدیگر کشانده، با این همه نمی توانیم آن پیوند خونی را که ما بین ما وجود دارد، منکر شویم. ما پراکنده گشتیم و بیای خویش به مسلخ دشمن رفتیم. بیائید بیش از این دشمن را خوشنود نسازیم، بیائید با حفظ استقلال تشکیلاتیمان خانه پدری را با ساختار و شکلی نوین از نو بیاوریم.

«یقیناً بدانید اگر مجبور باشم آهن گداخته ای را بکف گیرم، یقیناً آنرا به دست چپم خواهم گرفت»

بقیه از صفحه ۸

تزه های پیشنهادی ۰۰۰

با نیروهای سراسری فرامی خوانیم.

۹- واحدهای سازمان در مناطق محل سکونت هریک از ملیتهای متشکله ایران، در چارچوب سمگتگیری برنامه های سازمان از استقلال سیاسی - تشکیلاتی کامل برخوردار می باشند. این واحدها دارای رهبری منتخب، ارگان ویژه، سیاست منطقه ای مستقل از جمله در رابطه با اتحادیه ها، اشکال مبارزه و سازماندهی نیرو خواهند بود. این واحدها همچنین به تناسب نیروی تشکیلاتی خود دارای نماینده یا نمایندگان در ارگان رهبری مرکزی سازمان خواهند بود.

۱۰- مساله بفرنج ملی در ایران مورد کم توجهی جدی سازمان ما قرار داشته و هنوز هم

بقیه از صفحه ۸

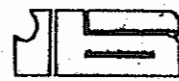
بسیاری از طرح های عمرانی و صنعتی قبل از انقلاب هم متوقف مانده اند. تولید صنعتی در این کشور تقریباً وجود ندارد. حتی کبریت و صابون و شمع هم وارداتی است. جنگ و محاصره و بایکوت هر سال که گذشته حلقوم مردم را بیشتر فشرده است. شوروی ها رفته اند اما سفارت خانه های غربی هنوز با باز نشده اند و یا با دولت مناسبات و همکاری جدی ندارند. تقریباً هیچ پیشنهادی از جانب شرکت ها یا دولت های غربی برای همکاری یا سرمایه گذاری در افغانستان مطرح نیست. کشور همچنان بایکوت و محاصره است. البته تجار افغانی کالاهای مصرنی را به وفور وارد می کنند. همه چیز در کابل یافت می شود اما نه برای سرمایه گذاری و تولید. بهای ارز خارجی هر روز افزایش می یابد. تورم حلقوم مردم را تا حد مرگ فشرده و از جمله حقوق کارمندان دولت، که تازه تشر «مرنه» محسوب می شوند، را به حد ۱۰ الی ۱۵ دلار در ماه کاهش داده

بقیه از صفحه آخر

افغانستان: ادامه بحران

بزرگ ایجاد کنند. بدین ترتیب مجموعه عوامل بین المللی - و بطور مشخص اهداف امریکا - در حال حاضر این امید را تقویت نمی کنند که مساله افغانستان در آینده نزدیک از بن بست خارج شود و صلح پایدار در آن کشور مستقر گردد.

بروشنی قابل مشاهده است که دولت کابل پس از خروج قوای شوروی و بویژه پس از شکست کودتای ژنرال تئای موفتیت های سیاسی و نظامی معینی بدست آورده است. مهمترین کار یک رشته توافقات ضمنی و رسمی با تعدادی از فرماندهان داخلی مجاهدین مستقر در مناطق مختلف کشور بوده است. اکنون در بسیاری ایالات جنگ هملا وجود ندارد. از جمله احمد شاه مسعود که از شناخته شده ترین فرماندهان است در حمل، نوعی صلح غیر رسمی بدست آمده است. با گروه های شیعه نیز هملا وضع همینطور است.



شامیر یار دیگر فرمول "زمین در ازای صلح"

وارد کرد

اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل دوشنبه گذشته جفته گذشته بار دیگر بر مواضع خود در رابطه با مسائل خاورمیانه تاکید کرد. وی در آستانه سفر مجدد بیکر وزیر خارجه آمریکا به اسرائیل تاکید کرد: معامله "زمین به ازای صلح" صورت نخواهد گرفت.

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته برای سومین بار از هنگام پایان جنگ خلیج فارس از کشورهای خاورمیانه دیدار کرد. آمریکا در عدد است اسرائیل را متقاعد به پذیرش فرمول "زمین به ازای صلح" و تخلیه بخشی از سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۶۷ کند. بیکر بدنبال دیدار از کشورهای خاورمیانه به تقاضای رفت و با

پس دادن بلندی های جولان از سوی اسرائیل کرده است، شامیر نخست وزیر اسرائیل بار دیگر تاکید کرد کشورش بلندی های جولان را تخلیه نخواهد کرد. سازمان آزادیبخش فلسطین کماکان برخواست تشکیل یک کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه با شرکت بازر مشترک اروپا و پافشاری می کند. این امر از سوی یاسر عرفات، رهبر ساف پيس از گفتگویی با رولان دوما وزیر خارجه فرانسه در طرابلس پایتخت لیبی مورد تاکید قرار گرفت. عرفات اعلام کرد فلسطینی ها در برابر هر راه حل آمریکایی که مقایر با حق تعیین سرنوشت و استقلال ملت فلسطین باشد، مقاومت خواهند کرد.

مخالفت اپوزیسیون کویت با دولت جدید

روز یکشنبه اول اردیبهشت دولت جدید کویت که منتصب از سوی امیر این کشور است، سوگند خورد. اپوزیسیون کویت بدنبال آغاز کار دولت جدید، آن را غیردمکراتیک خواند و خواهان استعفا کابینه جدید شد. در یک بیانیه مشترک همه گروه های اپوزیسیون آمده است: "خاندان صباح، بدون هیچ مشروعه ای سلطه مطلق خود را اعمال می کند. این بیانیه می افزاید حکومت کماکان مانع اعمال حقوق قانونی مردم است. اپوزیسیون، به ویژه تقسیم مجدد مهمترین پست های کابینه میان اعضای خاندان صباح را مورد انتقاد قرار داد."

مخالفتان دولت کویت خواهان تشکیل یک دولت وحدت ملی بدون شرکت وزرای قبلی برای بازسازی کشور شده اند. امضا در دولت جدید شیخ عبدالله الصباح که ولیعهد و نخست وزیر است، شیخ احمد الصباح که تاکنون معاون نخست وزیر و وزیر خارجه بود، عضویت ندارد، جانشین او شیخ سالم الصباح است که تاکنون وزیر کشور بوده و به شدت مخالف لیبرالیزه کردن کویت است. دولت قبلی کویت روز ۲۹ اسفند بدنبال گسترش انتقاد از کندی روند بازسازی، استعفا کرده بود.

در بیانیه اپوزیسیون کویت آمده است نیروهای سیاسی این کشور در دولت جدید نماینده ای ندارند. بیانیه مزبور را "ائتلاف ملی اسلامی"، جمعیت اسلامی، جمعیت اسلامی قانون اساسی، جمعیت قانون اساسی، مجمع دمکراتیک، یک گروه مستقل و نیز گروهی از نمایندگان پارلمان کویت که در سال ۱۹۸۶ توسط امیر کویت منحل شد، امضا کرده اند.

قرار بود رهبران اپوزیسیون دوشنبه گذشته در هتلی در کویت کنفرانس مطبوعاتی داشته باشند اما مدیریت هتل این کنفرانس را لغو کرد. به گفته منابع اپوزیسیون، وزارت اطلاعات کویت دستور ممنوعیت این کنفرانس را صادر کرده بود. هفته گذشته جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا دیدار کوتاهی از کویت انجام داد. وی پیش از سفر به کویت گفت گزارش های سازمان هغو بین الملل درباره سرکوب فلسطینی ها در کویت، دولت آمریکا را نگران کرده است. بیکر افزود درباره حقوق بشر با رهبری کویت مذاکره خواهد کرد. اخیراً هغو بین المللی گزارش داد اهالی فلسطینی کویت به اتهام طرفداری از صدام حسین هنگام اشغال این کشور، اکنون در معرض "موجی از دستگیری های خودسرانه، شکنجه و قتل" قرار گرفته اند.

افغانستان: ادامه بحران

۷ اردیبهشت ماه مصادف است با سیزدهمین سالروز رویدادی که در تاریخ کشور همسایه ما افغانستان بعنوان "انقلاب ثور" شناخته شده است. در این روز محمد داود خان رهبر افغانستان در حالیکه هدای از رهبران حزب دمکراتیک خلق افغانستان را بازداشت کرده بود در جریان کودتای نظامیان وابسته به این حزب کشته شد و قدرت به دست این حزب افتاد. حزب دمکراتیک خلق افغانستان - که امروز حزب وطن نامیده می شود - ۱۳ سال پیش از آن (در سال ۱۳۴۴) تاسیس شده بود. این حزب اندکی پس از تاسیس دچار انشعاب شد و دو جناح آن بنام "خلق" و "پرچم" تشکیل یافت. جدگانه ای داشتند آنها در آستانه ۷ ثور بخاطر سرنگون کردن رژیم باجم وحدت کرده بودند. کودتا با همکاری این دو نیرو به پیروزی رسید.

آیا همه چیز مطابق پیش بینی پیش رفت؟ در ایام قبل از ۷ ثور و حتی تا مدتی پس از آن تصور همومی بود که چرخش جدی در اوضاع افغانستان و تشکیل حکومت تازه مرجعی بر دردهای دیرین این کشور خواهد شد. انتظار این بود که انقلاب ثور عقب ماندگی در دناک اقتصادی اجتماعی را مهار کند و شتاب رشد اقتصادی را باعث گردد. اما متاسفانه روندجا مطابق این انتظارات پیش نرفت.

نخستین مصیبت اوج گیری مخاصمت در درون حکومت نوین بود. وحدت دو جناح خلق و پرچم بسیار مستعجل بود و حفیظ اله امین پیگرد و کشتار عناصر جناح رقیب را آغاز کرد. لختی گذشته که تعرض جناح رقیب آغاز شد و برای حفظ قدرت خود از قوای شوروی کمک خواست. مصیبتی تازه شروع شد. جنگی که حاصل آن کشتار صد ها هزار انسان و ویرانی کشور شد و هنوز هم ادامه دارد.

افغانستان که قبل از ۷ ثور و حتی تا مدتی پس از آن تصور همومی بود که چرخش جدی در اوضاع افغانستان و تشکیل حکومت تازه مرجعی بر دردهای دیرین این کشور خواهد شد. انتظار این بود که انقلاب ثور عقب ماندگی در دناک اقتصادی اجتماعی را مهار کند و شتاب رشد اقتصادی را باعث گردد. اما متاسفانه روندجا مطابق این انتظارات پیش نرفت.

تصویب برنامه دولت شوروی

علیه بحران اقتصادی

آهسته به اقتصاد بازار فرجام می آید. پاولف می گوید یک سیاست ملایم تر، به ایجاد وقفه های بیشتر در تولید خواهد انجامید و سطح زندگی مردم را باز هم پائین تر خواهد برد. پاولف در رابطه با موج ادامه دار اعتصابها در شوروی گفت: "از ماه ژوئیه به بعد، به شرط از سرگیری کار، مردم تاثیرات مثبت و طرحها را احساس خواهند کرد. ما می دانیم که درآمدها پائین است. اما افزایش دستمزدها باید نتیجه افزایش بازده تولید باشد."

صد کاهش نسبت به ارقام مشابه در مدت مشابه سال گذشته نشان می داد. این آمار، نه نتیجه محاسبات دقیق، که حاصل تخمین های کارشناسان شوروی است، زیرا از پایان سه ماهه اول سال جاری تنها سه هفته می گذرد و در این مدت کوتاه تهیه آمار دقیق ممکن نیست. پاولف نخست وزیر شوروی دوشنبه گذشته هنگام ارائه طرحهای اقتصادی خود به پارلمان، نمایندگان شورای عالی را از رد "برنامه بحران" خود برحذر داشت. پاولف وضع اقتصادی شوروی را وخیم توصیف کرد و اعتصابیون را تهدید به اتخاذ تدابیر سخت نمود. پاولف گفت: "احتمالاً از هم اکنون باید در برخی رشته ها مقررات ویژه وضع کرد، از جمله بقیه در صفحه ۹

است که مخالفان برای سرنگونی حکومت فعلی، بعلاوه اکنون آشکار شده است که دولت آمریکا و متحدان نیز بر واقعیت توازن قوا واقفند. در میان مجاهدین و حتی در کابل نیز بعضاً این ارزیابی وجود دارد که انراطیون اسلامی مخالف دولت فقط تا آنجا مورد حمایت آمریکا قرار دارند که مساله افغانستان حل نشود. امریکا فعلاً بسود خود نمی داند که جنگ در افغانستان تمام شود و اوضاع این کشور تثبیت گردد. برخی از سران مجاهدین علناً گفته اند امریکا موافق روی کار آمدن آنجانیست.

عوامل ملی و بین المللی در حال حاضر برای قطع جنگ فرجام شدن شرایط ملی و بین المللی لازم است. مهمترین و نخستین شرطین المللی قطع تحویل سلاح به طرفین درگیر است. از سه سال پیش این مساله در مذاکرات آمریکا و شوروی مطرح بوده است. حتی مدتجاست که پیش نویس اعلامیه مشترکی پیرامون اوضاع افغانستان تهیه شده و وزرای خارجه آمریکا و شوروی موافقت کلی خود را با آن اعلام کرده اند. موضوع اصلی اعلامیه تعهد طرفین به منع تحویل سلاح به طرفین جنگ برای ترفیب آنها به پایان دادن به جنگ و حل سیاسی مسائل مورد مناقشه است. اما امریکا جبار به جاندهای امضای این توافق نامه جالبه تاخیر می تواند بر آن حاکم باشد و ارزیابی متفاوت شکل گرفت. مجاهدین و دولت پاکستان و حتی مخالفی در شوروی و غرب تصور می کردند که عمر دولت کابل به پایان رسیده است و ائتلاف مجاهدین می تواند جایگزین آن گردد. جنگ جلال آباد بر همین پایه رخ داد. اما این ارزیابی واقع بینانه نبود. دولت کابل نشان داد که در کشور قدرت فائقه است و می تواند و باید تسلیم نشود. زمانی نشان داد که مذاکره برای تقسیم قدرت بین دولت و مخالفان و تشکیل یک ائتلاف ملی یگانه راه پایان دادن به مصیبت است.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سیدبانکی بر داخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

<p>KAR Vol.3 No.4 Wed. 1 MAI 1991</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p>	<p>کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p>
<p>Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>	<p>آدرس: M.ABD NR-35263011 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p>

دولت کابل برای شکست مخالفان به همان اندازه ضعیف

بیطرف و غیر متعصب بود پس از ۷ ثور و بویژه مداخله قوای شوروی هر چه بیشتر به این کشور وابسته